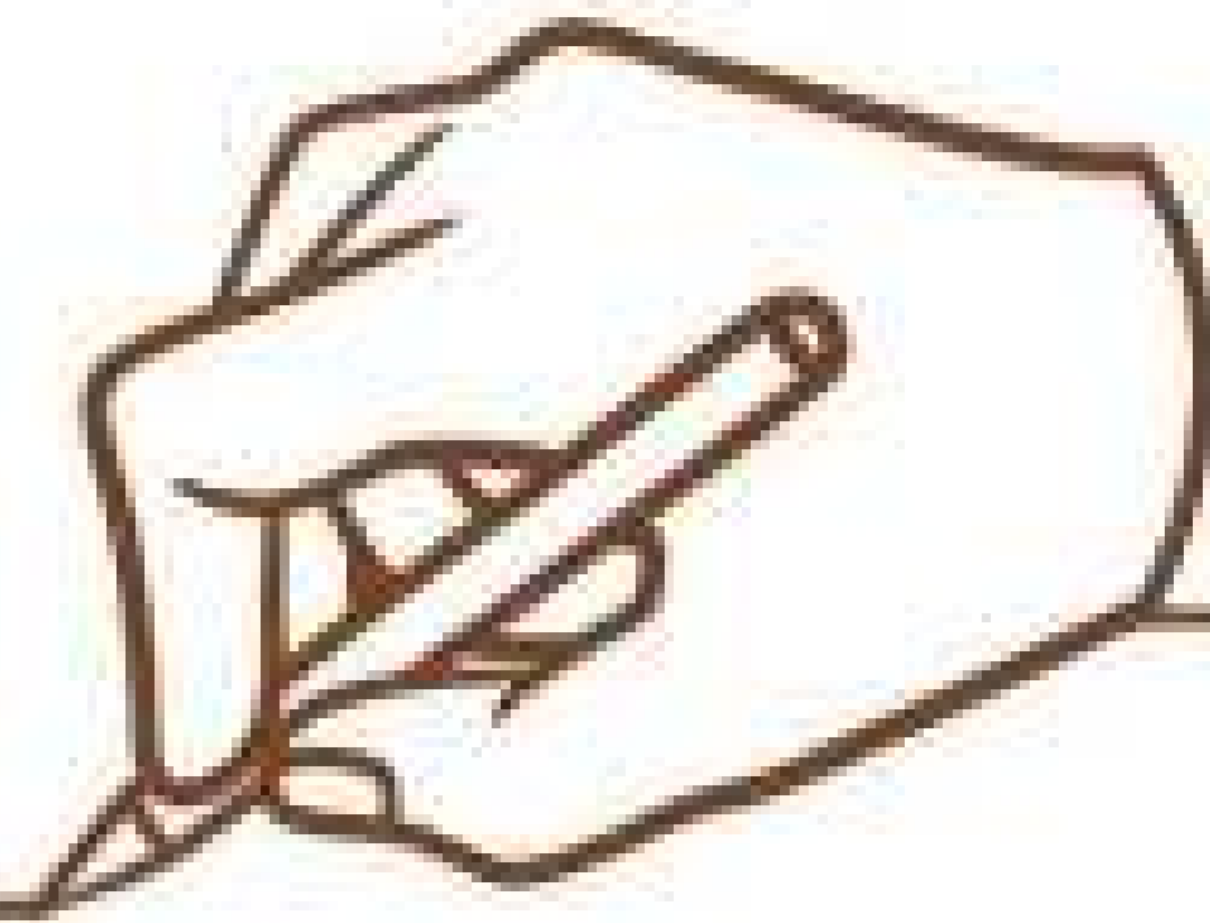


فصلنامه

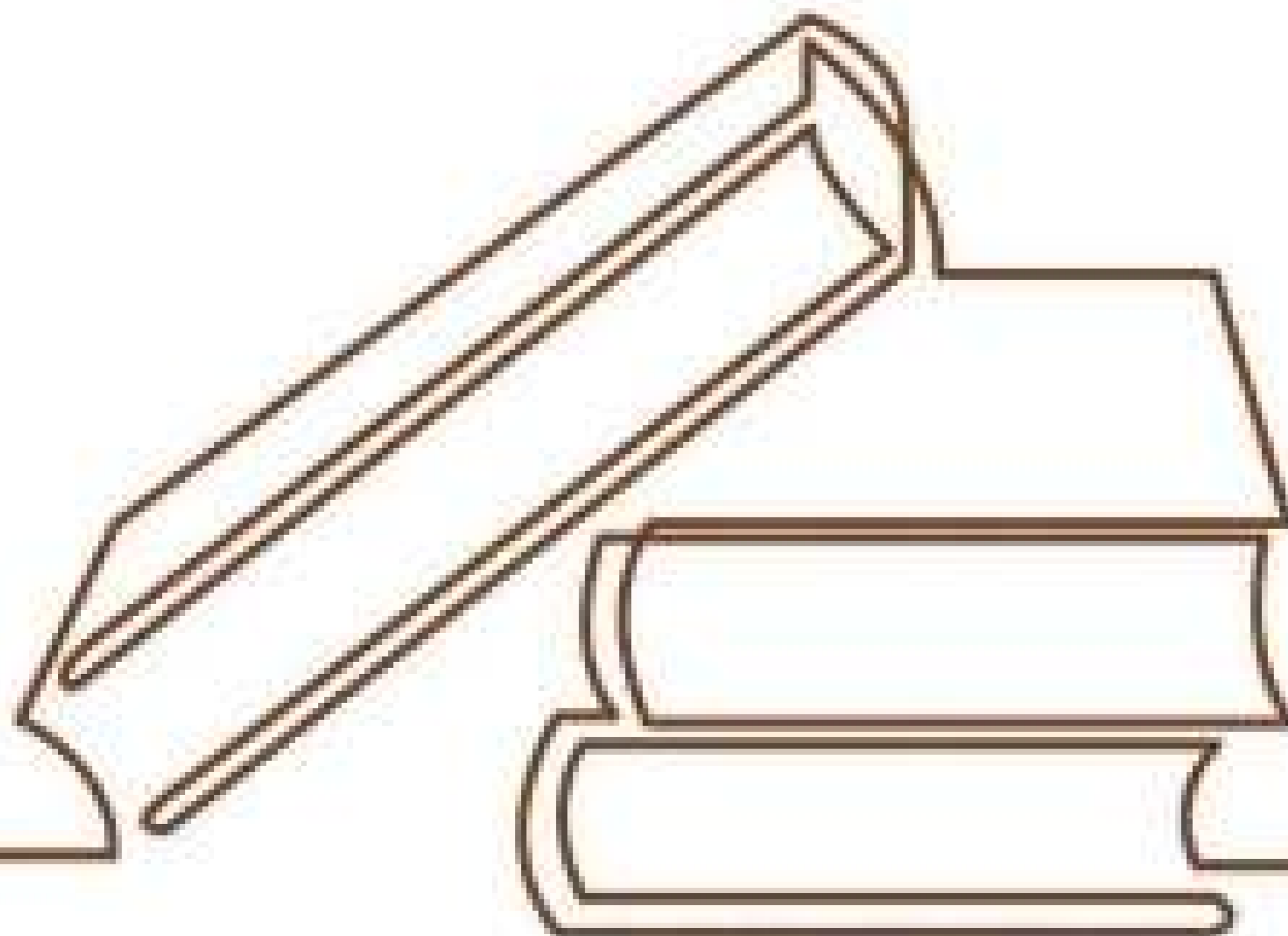
مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام مشهد مقدس
فصلنامه داخلی علمی (مجموعه مقالات) عقیده
سال بیست و یکم | شماره ۴۷ | پاییز ۱۴۰۱



- بررسی نگرش اسلام به مقوله طلاق از حیث جانبداری زن یا مرد
- نقش تفکرات فمینیستی در افزایش آمار طلاق بین خانواده های ایرانی
- نقش فضای مجازی بر ازدیاد طلاق
- نگرش صحیح به ازدواج و تأثیر آن در کاهش طلاق
- هویت فرزندان طلاق (تأثیرات طلاق بر فرزندان)



- صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام
- مدیر مسؤول: مرضیه پارسایی راد "رئوف"
- سر دبیر: سیده اعظم التفاتی فاز
- مدیر اجرایی: الهام عبدی
- طراح و صفحه آرا: فاطمه نظریان
- باسپاس ویژه از اساتید ارجمند سرکار خانم‌ها:
عزیزی، محسنی، وحید (مسؤول واحد پژوهش) که
ما را در تهیه و تنظیم این شماره نشریه یاری دادند.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۳ بررسی نگرش اسلام به مقوله طلاق از حیث جانبداری زن یا مرد
- ۱۲ نقش تفکرات فمینیستی در افزایش آمار طلاق بین خانواده های ایرانی
- ۲۵ نقش فضای مجازی بر ازدیاد طلاق
- ۳۳ نگرش صحیح به ازدواج و تأثیر آن در کاهش طلاق
- ۵۴ هویت فرزندان طلاق (تأثیرات طلاق بر فرزندانش)

سر مقاله

خانواده در جوامع انسانی و اسلامی به عنوان یک جامعه کوچک و تمدن ساز محسوب می‌شود و افراد در جامعه با تاسی از آموزه‌هایشان در محیط خانواده، نقش اجتماعی خود را اجرا می‌کنند، و به همین دلیل است که خانواده جایگاه مهم و اساسی در روند رشد و تعالی انسان‌ها دارد.

زن و مرد به عنوان دو رکن اصلی خانواده هستند که بعد از زوجیت مقدس مسیر پرفراز و نشیبی پیش رو خواهند داشت و می‌بایست با هم و در کنار هم راهی را بپیمایند و از سختی‌ها و پستی‌ها عبور کنند تا به کمال انسانی خود نزدیک‌تر شوند و بر ابتلائات و آزمایشات فائق آیند. پیمودن مسیر زندگی زناشویی قوانین و ملاحظات خاص خود را

می‌طلبد تا در طول مسیر ملول و پریشان نشوند و بخاطر عدم توانمندی لازم در حفظ خانواده راهشان از یکدیگر جدا نشود.

سازگاری و مراعات حقوق یکدیگر اصل اساسی طی این مسیر است و این همان نگرش صحیح به مقوله ازدواج است.

متأسفانه در سال‌های اخیر آمار جدایی بیش از گذشته به چشم می‌خورد و یکی از مسائل مهمی که امروزه موجب این جدایی است، استفاده بیش از حد و نامناسب از فضای مجازی است. در این محیط اغواکننده که به طور مکرر تفکرات فمینیست در قالب‌های گوناگون به خورد چشم و گوش و ذهن بانوان جامعه داده می‌شود. بسی جای تأسف است که زن و مرد بعلت استفاده غیر اصولی از این امکانات و عدم رعایت حد و مرزها، خود

باعث از هم پاشیدگی زندگی شان می‌شوند.

چه بسا فرزندان که به واسطه از هم گسیختگی‌های خانواده، آینده روشنی پیش رو نداشته باشند و نتوانند زندگی ایده‌آلی برای خود به تصویر بکشند، چرا که هویت فرزندان طلاق با اینگونه تصمیمات مخاطره‌آمیز گره خورده است.

آسیب‌شناسی فضای مجازی و پرداختن به دشمنی‌هایی که از طریق فضای مجازی زندگی خانواده اسلامی را تهدید می‌کند و البته ارائه نگرش صحیح در استفاده از این امکانات و نعمتهای الهی، از اهداف این شماره است. این شماره از فصلنامه عقیده، پیرو شماره ۴۶ نشریه و در پاسخ به این سؤال مقام معظم رهبری دامت‌برکاته است: «چرا در برخی مناطق طلاق زیاد شده است؟!»

در این شماره مقالاتی را با عناوین زیر می‌خوانیم:

- * بررسی نگرش اسلام به مقوله طلاق از حیث جانبداری زن یا مرد
- * نقش تفکرات فمینیستی در

افزایش آمار طلاق بین خانواده های ایرانی

* نقش فضای مجازی بر ازدیاد طلاق

* نگرش صحیح به ازدواج و تأثیر آن در کاهش طلاق

* هویت فرزندان طلاق (تأثیرات طلاق بر فرزندان)

امید است با مطالعه این فصلنامه به دیدگاه صحیحی از جایگاه مهم خانواده و کارکردهای آن و نحوه مواجهه با امکانات دست یابیم.

و من الله التوفیق...

بررسی نگرش اسلام به مقوله طلاق از حیث جانبداری زن یا مرد

زهرة وظیفه - سطح سه حوزه

چکیده

«طلاق» در لغت به معنای آزاد ساختن از قید و بند است و آنگاه به صورت استعاره در رها کردن زن از قید و بند ازدواج استعمال شده است. تفاوت برخی از احکام زن و مرد در مسأله طلاق منجر به پیدایش برخی برداشت های یکسویه شده است. بویژه در جامعه زنان، بدلیل تبلیغات جریاناتی مانند فمینیسم، اعتراضاتی در این زمینه به وجود آمده است؛ بدین جهت ضرورت دارد نگاهی دوباره به نگرش اسلام به موضوع طلاق از حیث جانبداری از زن یا مرد انجام شود.

خداوند راه طلاق را بدون شرایط قرار نداده است تا از هم پاشیدن خانواده، اولین و ساده ترین راه حل نباشد. حقوق و تکالیفی نیز که در مسأله طلاق وضع شده، به جهت جانبداری از جنسی خاص نیست. بلکه اسلام با جانبداری از حفظ

خانواده و بقای نسل بشر، بر مبنای انسانیت و اخلاق، حقوق و تکالیفی وضع نموده که علاوه بر تناسب با طبیعت زن و مرد، عدالت و آرامش را در خانواده نهادینه سازد.

کلید واژگان: طلاق، بقای خانواده، تناسب حقوق

مقدمه

یکی از نهادهای بنیادین حفظ و تربیت انسان، خانواده است که در آن فرزندان با فراگیری ارزش‌ها و هنجارها و تربیت روانی مناسب برای ایفای نقش مثبت در بزرگسالی آماده می‌شوند. مهمترین عامل فروپاشی این نهاد ارزشمند، متارکه یا طلاق است.^۱

اگر به خاطر بروز عللی؛ مانند اشتباه بودن نوع ازدواج و کیفیت پیوند بین آنها، محبت و همدلی به حاشیه رانده شود، رکن اصلی خانواده از بین رفته و برگشت به این زندگی دشوار خواهد بود. شاید بتوان این دو نفر را به اجبار قانون و غیره،

کنار هم نگه داشت، ولی این کار نیز به صلاح نبوده و پیامدهای دیگری خواهد داشت.^۱ بنابراین همواره در بیشتر تمدن‌ها و ادیان امکان گسست پیوند زناشویی وجود داشته است. در اسلام نیز طلاق، با وجود مبعوضیت فراوان، راه چاره ایست برای ازدواج‌هایی که به بن بست رسیده اند. برای کاهش آسیب‌ها و سوء استفاده‌های این پدیده اجتماعی، احکام و قوانین فراوانی نیز وضع شده است.

با توجه به مطابقت قوانین اسلامی با فطرت بشر، میان ویژگی‌های جسمی و روانی زنان و مردان با حقوق‌شان رابطه تناسب برقرار است. به همین جهت در برخی حقوق با یکدیگر تفاوت دارند. برداشت منصفانه از مجموعه احکام و قوانین دینی هنگامی محقق می‌شود که در بررسی هر مسأله‌ای، به ابعاد مختلف آن نگریسته شود.

بدین جهت یک سویه‌نگری همواره آسیب‌های فراوانی در ساحت‌های مختلف دینداری وارد نموده است. در زمینه طلاق نیز برداشت‌های یک سویه از آیات و روایات، باعث بوجود آمدن پندار جانبداری اسلام از مرد یا زن شده است.

گاه نیز واسپاری برخی حقوق و تکالیف به زن یا مرد باعث به وجود آمدن این تصور در برخی شده است که تبیین

نشدن این ابهامات به مرور زمان آسیب‌ها و کج روی‌های فکری و عملی بسیاری را در جامعه اسلامی به وجود آورده و می‌آورد.

نوشتار پیش رو با هدف تبیین نظام اندیشه اسلامی پیرامون مسأله طلاق، در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا اسلام در این مسأله، جانبدارانه رفتار نموده است؟!

۱- مفهوم‌شناسی

طلاق به معنای تطلیق است؛ مثل سلام به معنای تسلیم و کلام به معنای تکلیم.^۲ این واژه در لغت به معنای آزاد ساختن از قید و بند است و آنگاه به صورت استعاره در رها کردن زن از قید و بند ازدواج استعمال شده است.^۳

در لغت فارسی نیز به معنای رها شدن زن از عقد نکاح، رها کردن و فسخ کردن عقد نکاح آمده است.^۴

مصطفوی معتقد است که این واژه در اصل ماده خویش به معنای رفع حصر و در بند بودن است. خواه آن محصور بودن طبیعی باشد، خواه با قید ثانوی و خواه بوسیله تعهد. بنابراین ازدواج در بند بودن است که بوسیله عقد و تعهد بین زن و شوهر بوجود می‌آید. در این صورت طلاق رفع این

محصور بودن و لوازم آن است.^۶ با توجه به جامع نگری دین اسلام در وضع قوانین و آداب انسانی، ضرورت دارد دیدگاه آن در موضوع طلاق تبیین شود تا علاوه بر فرهنگ سازی پیرامون اهمیت حفظ خانواده، از به وجود آمدن برداشتهای نادرست پیرامون جانبداری اسلام از جنسی خاص پیشگیری شود. ادامه نوشتار، عهده دار بررسی این مطلب است:

۲- اسلام و جانبداری از خانواده

آیات متعددی در قرآن، ازدواج و فرزند آوری را با تعبیری زیبا ستایش نموده اند که نشانگر اهتمام ویژه دین اسلام به خانواده و ازدیاد نسل است، همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «فَاَطْرُقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلْتُ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۷ او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) زیاد می‌کند. هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست.»

بنابراین آیه کریمه، یکی از

نشانه‌های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت او همین است که برای انسان‌ها همسرانی از جنس خودشان آفریده که از یک سو مایه آرامش روح و جان او و از سوی دیگر مایه بقاء نسل و تکثیر مثل و تداوم وجود او هستند.^۸

اما به میزانی که در اسلام، تشکیل و پاسداشت خانواده اهمیت دارد، طلاق امری ناپسند و نامقدس است که برای پیشگیری از هر وسیله ممکن استفاده شده و از آن در کلمات شارع مقدس، به عنوان مبعوضترین حلال‌ها و امری که خشم خدا را به دنبال دارد، تعبیر شده است.^۹ امام صادق علیه السلام فرمودند: «ما من شیء مما احلّه الله عزوجل ابغض الیه من الطلاق...»^{۱۰} هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده است، نزد او منفورتر و ناپسندتر از طلاق نیست.»

به همین جهت خداوند راه طلاق را بدون شرط قرار نداده است تا از هم پاشیدن خانواده، اولین و ساده‌ترین راه حل نباشد.

اما برخی افراد، تدابیر حکیمانه دین اسلام در جهت پاسداشت خانواده را نشانگر جانبداری اسلام از مرد یا زن برداشت نموده اند. شاید برخی بانوان بدون توجه به فلسفه وضع حقوق و تکالیف، قرار دادن برخی حقوق برای مرد را نوعی جانبداری اسلام از مردان تلقی

نمایند

این در حالیست که اختصاص حقوقی همچون حق طلاق به مرد، ناشی از تفاوت روان شناختی و طبیعی زن و مرد دانسته‌اند. شهید مطهری در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» معتقد است علاقه و محبت زن، معلول و وابسته به علاقه و محبت مرد است. از این رو بی‌علاقگی و بی‌وفایی مرد نسبت به زن، پایان زندگی زناشویی است؛ اما در صورتی که سردی و بی‌علاقگی از سوی زن باشد، مرد می‌تواند با ابراز محبت و علاقه، علاقه زن را بازگرداند. حمایت و مهربانی قلبی مرد آنقدر برای زن ارزشمند است که زندگی بدون آن، برای زن قابل تحمل نیست. به لحاظ طبیعت زن، بدترین اهانت و تحقیر یک زن این است که مرد با وجود بی‌علاقگی یا تنفر بخواهد او را مجبور به ادامه زندگی کند. بر همین اساس حق طلاق در اختیار مرد قرار داده شده است.^{۱۱}

بنابراین علت اینکه مرد حق طلاق دارد این است که رابطه زوجیت بر پایه علقه طبیعی است و مکانیسم خاصی دارد. کلید استحکام بخشیدن و هم‌کلید سست کردن و متلاشی کردن آنرا خلقت بدست مرد داده است. هر یک از زن و مرد بحکم خلقت نسبت به هم وضع و موقع خاصی دارند که قابل عوض شدن یا

همانند شدن نیست. این وضع و موقع خاص به نوبه خود علت اموری است و از آن جمله حق طلاق است. و به عبارت دیگر علت این امر نقش خاص و جداگانه ای است که هر یک از زن و مرد در مسأله عشق و انتخاب همسر دارند نه چیز دیگر. حق طلاق، ناشی از نقش خاص مرد در مسأله عشق است نه از مالکیت او.^{۱۲}

سایر احکام طلاق نیز به همین صورت، با اولویت حفاظت از خانواده، مطابق با طبیعت و جایگاه زن و مرد چیده شده است. اینکه وظیفه پرداخت مهریه و نفقه را برعهده مرد قرار داده نیز به دلیل تضمین دوام خانواده است.

بنابراین طلاق از منظر اسلام، پدیده‌ای نامبارک است که برای پیشگیری از وقوع آن موانع بسیاری قرار داده است تا حریم خانواده با تنش‌های سطحی و زود گذر از هم نپاشد.

۳- جانب‌داری از انسانیت و برابری حقوق

از شاخصه‌های مهم آموزه‌های اسلامی، بزرگداشت انسان و حفظ کرامت و شرافت اوست. اسلام، انسان را در زمین و آسمان، اشرف مخلوقات

می داند و به هیچ مخلوقی اجازه اهانت و تحقیر انسان را نمی دهد.^{۱۲} تکریم به معنای شریف داشتن و بزرگوار شمردن است.^{۱۳}

منظور از تکریم جایگاه انسان، حفظ ارزش ذاتی و بزرگداشت شخصیتی اوست که خداوند متعال ارزانی هر انسانی کرده است: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^{۱۴} هنگامی که آن را نظام بخشیدم و در او از روح خود (روحی شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید.

اسلام، دین مساوات و برابری است.^{۱۵} از منظر اسلام، جنسیت ملاک برتری نیست. ملاک برتری زن و مرد، تقوای الهی است. همچنان که قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^{۱۶} ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است!

با وجود این، آنجا که بحث حقوق و تکالیف مطرح می شود، خداوند برای

هریک از آن دو، وظایف و حقوق خاصی را بیان کرده است. بنابراین حقوق متفاوت در کنار حقوق مشترک برای زنان و مردان برخاسته از تناسب می باشد. واژه تناسب از وجود رابطه میان ویژگی‌های جسمی و روانی زنان و مردان با حقوقشان حکایت می کند.^{۱۷} زن و مرد در آن جنبه‌هایی که با هم شبیه هستند، از حقوقی مشابه نیز برخوردارند، ولی در جنبه‌هایی که با هم تفاوت دارند، حقوقی متفاوت می یابند و این هرگز به معنای کم ارزش بودن یک جنس و برتری جنس دیگر نیست. این همان برابری حقوق است که اسلام بر آن تأکید دارد و آن را از لوازم زندگی می شمارد.^{۱۸}

بنابراین چنانچه در طلاق و یا برخی امور دیگر، حقوق و یا احکام متفاوتی برای زن یا مرد قائل شده، بدلیل تفاوت‌هایی است که تنها خالق حکیم به کنه آن آگاه است.

۴- جانبداری از اخلاق و

مسدود نمودن ظلم جوامع به زن

علاوه بر آن که اخلاق از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام به شمار می رود؛ عامل پیوند انسان به پرودگارش نیز به شمار می رود که این پیوند، هدف اصلی خلقت انسان است. اگر نزد خداوند ویژگی‌ای برتر از اخلاق وجود داشت، هر

آینه خدای متعال در ستایش پیامبر گرامیش، بدان اشاره می فرمود. اهمیت اخلاق و ارج و بهای آن، از این جهت ظهور و بروز یافت که خداوند متعال بر فرستاده بزرگوارش منت نهاد و فرمود: ^{۲۰} «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۲۱} و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!^{۲۲}

دین اسلام زمانی ظهور کرد که در شبه جزیره عربستان و دیگر سرزمین های جهان، نه تنها میان زن و مرد، بلکه میان انسان‌ها، برابری معنا نداشت. در میان برخی از قبایل عرب جاهلی اگر فردی صاحب فرزند دختر می شد یا او را زنده به گور می کرد یا باید تا آخر عمر، ننگ داشتن دختر را تحمل می کرد.^{۲۳}

نگرش به زن در برخی فرهنگ‌ها چنان منفی و دور از واقعیت بود که وی را از روح انسانی، تهی دانسته و او را از قلمرو انسانیت و برخورداری از شخصیت انسانی خارج کرده اند. همین بینش و تفکر سبب شده است گروهی از انسان‌ها در گذشته و حال، با زن به مثابه ابزار مادی صرف برخورد کنند.^{۲۴}

اما اسلام، یعنی دین مستقیمی که قرآن برای تأسیس آن نازل گردیده، در حق زن دیدگاهی را پایه گذاری نمود که از روزی که جنس بشر پا به عرصه دنیا گذاشت تا آن روز، چنین دیدگاهی در مورد زن وجود نداشت. اسلام، عقاید و

آرایی را که مردم درباره‌ی زن داشتند و رفتاری که بصورت عملی با زن می کردند، بی اعتبار نمود و بر همه‌ی آن‌ها خط بطلان کشید.^{۲۴}

حتی در مواردی که سخن از طلاق و جدایی از زن پیش می آید، قرآن بر معروف تأکید می کند و می فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّهِنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُؤْذِينَ بِلُغْتِكُمْ بَلَاغَةً وَلَا تَنْسَبُوا لَهُنَّ سُبُّنَ اللَّهِ عَنَّا إِنَّهُ يَتَّخِذُ الْآيَاتِ اللَّهُ هُزُوًا»^{۲۵} و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آن‌ها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی، آیات خدا را به استهزا نگیرید.)

طلاق و جدایی بیشتر با آزارها، کینه ورزی‌ها و برخوردهای ناهنجار جانبی همراه است. قرآن از این موضوع پیشگیری می کند و می گوید: زنی را که می خواهید طلاق بدهید، باید با رعایت اصل «معروف» از او جدا شوید و مباد در این حال آنان را آزار

دهید یا زیان برسانید و یا رفتاری خشونت آمیز داشته باشید. بنابراین، در قهر و آشتی معیار و ضابطه رفتاری با زنان، اصل «معروف» است.^{۲۶} در مجمع البحرین آمده است:

«معروف نام فراگیری است برای هر کاری که موجب اطاعت خدا و یا نزدیکی به او و نیکی نسبت به مردم باشد و نام هر کاری است که نیکی و شایستگی آن در قانون شرع و یا قانون عقل پذیرفته شده است.»^{۲۷}

بنابراین، با توجه به سابقه‌ی ظلم جوامع به زنان، اسلام آداب و سفارش‌های بسیاری برای برخورد مرد در هنگام طلاق و پس از آن قرار داده است. در این صورت علاوه بر حفظ کرامت زن، پشتوانه مالی او در جامعه تضمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

- نگرش دین اسلام به طلاق، نگرشی خانواده محور، عدالت محور و اخلاق محور است.

- در احکام و قوانین اسلامی جانب‌داری از مرد یا زن نشده است.

- قرار دادن برخی حقوق در اسلام مانند حق طلاق برای مردان، گواهی بر جانب‌داری از ایشان نیست؛ بلکه برخاسته از نقش خاص مرد در مسأله عشق است نه از مالکیت او یا جانب‌داری از او و...

- با توجه به پیشینه ظلم جوامع به زنان، آداب و احکام مالی ویژه‌ای به نفع بانوان وضع شده اما این مطلب به معنای جانب‌داری از زن نیز محسوب نمی‌شود؛ بلکه تضمینی برای سلامت اجتماعی و اقتصادی بانوان مسلمان است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- رضا، رمضان نرگسی، مدرنیسم، خانواده و طلاق، نشریه حوراء (ماهنامه داخلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان)، ش ۱۶، ۱۳۸۴/۷، ص ۱.
- ۲- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، تهران، نشر صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۸۴، ج ۱۹، ص ۲۴۸.
- ۳- فضل بن حسن، طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۵ و طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۷.
- ۴- حسین، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۲۳.
- ۵- علی اکبر، دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۳۳، ص ۲۸۲.
- ۶- حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ص ۱۳۱-۱۳۲، نشر علامه مصطفوی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۷- شوری/۱۱.

۷- شوری/ ۱۱.

۸- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۶۶.

۹- ر.ک: مریم، رضایی، مبغوضیت طلاق در اسلام، رواق اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳، ص ۲.

۱۰- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴.

۱۱- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، ج ۱۹، ص ۳۶۹.

۱۲- همان، ج ۱۹، ص ۲۸۲.

۱۳- فاطمه، احمدی، شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات، نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰.

۱۴- حسین، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۱۴.

۱۵- ص ۷۲.

۱۶- « لا أضيع عمل عامل منكم من ذكر أو أنثى ب غُضْكُمْ من بعض »، آل عمران/ ۱۹۵.

۱۷- حجرات/ ۱۳.

۱۸- فریبا، عباسوند، زن در اسلام، ص ۱۴۱، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۲.

۱۹- زهرا، عظیمی، نگاهی به حقوق زن در اسلام، ص ۳۲، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۶.

۲۰- حسین، مظاهری، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت علمی، ترجمه ابوالقاسمی، محمود، ج ۱، ص ۱۰.

۲۱- قلم/ ۴.

۲۲- نحل/ ۵۸ و ۵۹.

۲۳- عظیمی، ص ۲۳.

۲۴- سید محمد حسین، طباطبایی، زن در اسلام، محقق مرادی، محمد، دفتر نشر و تنظیم آثار علامه

۲۵- بقره/ ۲۳۱.

۲۶- محمد، حکیمی، دفاع از حقوق زن، ص ۷۷، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸.

۲۷- فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۹۳.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳ ش.

۱- احمدی، فاطمه، شاخصه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی در آیات و روایات، نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۹۹.

۲- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، ۱۳۴۱ ش.

۳- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، داوودی، صفوان عننان، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۴- رضایی، مریم، مبغوضیت طلاق در اسلام، رواق اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳.

۵- حکیمی، محمد، دفاع از حقوق زن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸.

۶- طباطبایی، سید محمد حسین، زن در اسلام، محقق مرادی، محمد، دفتر نشر و تنظیم آثار علامه طباطبایی، قم، ۱۳۸۴.

۷- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح گرجی، ابوالقاسم، نشر حوزه علمیه قم، بیتا.

- ۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، محقق حسینی اشکوری، احمد، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۹- علاسوند، فریبا، زن در اسلام، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۲.
- ۱۰- عظیمی، زهرا، نگاهی به حقوق زن در اسلام، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، غفاری، علی اکبر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
- ۱۲- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، نشر علامه مصطفوی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری (نظام حقوق زن در اسلام)، تهران، نشر صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.
- ۱۴- مظاهری، حسین، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت علمی، ترجمه ابوالقاسمی، محمود، نشر ذکر، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.

نقش تفکرات فمنیستی در افزایش آمار طلاق بین خانواده‌های ایرانی

زهرة وظیفه - سطح سه حوزه

چکیده

خانواده و استواری آن، از امور شایسته در دین اسلام است. هر باور و اندیشه‌ای که منجر به گسست خانواده شود، از دیدگاه اسلام ناپسند است. با ورود تفکرات فمنیستی در کشور ایران، نگرش و رویکرد برخی بانوان نسبت به حقوق، نقش و وظایف آن‌ها دگرگون شد. بدین ترتیب زمینه بسیاری از اختلافات و طلاق‌ها شکل گرفت.

در این سطور تبیین شده است که تفکر فمنیستی با القای تصمیمات فردگرایانه در بانوان ایرانی باعث، تغییر نگرش بانوان ایرانی نسبت به نقش مادری و نسبت به حقوق آن‌ها شده و زمینه برخی تنش‌ها و جدایی‌ها را به وجود آورده است و بازتاب چنین نگرش و رفتارهای استقلال طلبانه از سوی زنان، منجر به تغییر رویکرد مردان نسبت به وظایف خانوادگی و کاهش مسئولیت

پذیری آنان شده است. این موارد، برخی از عوامل تهدید کننده پیوند زناشویی در خانواده ایرانی بشمار می‌رود.

کلید واژه: طلاق، خانواده، فمنیسم، آمار طلاق، خانواده ایرانی.

مقدمه

خانواده طبیعی، متشکل از مادر، پدر و فرزندان، یگانه نهاد در تاریخ بشر بوده که والدین، خود را وقف پرورش فرزندان و حمایت از آنان کرده است.^۱ خانواده، به لحاظ موقعیت حساس و بنیادی خود، همواره مورد هجوم شیادان بوده و میزان آسیب پذیری بالایی را به خود اختصاص داده است. به همین دلیل، حفظ و پاسداشت این نهاد کوچک از دیر باز مورد توجه ادیان و فرهنگ‌های آسمانی بوده است. در دین اسلام اهمیت بسیاری به تشکیل و حفظ خانواده داده شده است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنْ

التزویج؛^۲ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عز و جل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد.» به همین سبب عوامل پیشرفت و استحکام خانواده نیز مورد ستایش واقع شده است.

خانواده، در فرهنگ ایرانی-اسلامی، جایگاهی ویژه دارد. این کانون، محلی برای تربیت، پرورش و رشد ویژگی های انسانی و مبدأ ظهور عواطف انسانی و رکن اساسی جامعه است. در این نهاد، خوی های اصیل انسانی شکل می گیرد و ویژگی های ستوده و فضیلت ها و مکارم عالی رشد می یابد. کسی که اعضای این نهاد را با تدبیر، دل سوزی و ابراز عواطف به آرامش و رشد می رساند و نقش مهم و محوری دارد؛ زن است. زن در خانواده، وظایف بسیار مهم و حیاتی چون همسرداری و مادری را بر عهده دارد و با ایفای این دو نقش می تواند برای خانواده، آرامش و سلامت روانی به ارمغان آورد.^۳

اما به میزانی که در اسلام، تشکیل و پاسداشت خانواده اهمیت دارد، طلاق امری ناپسند و نامقدس است که برای جلوگیری از آن از هر وسیله ممکن استفاده شده و از آن در کلمات شارع مقدس، به عنوان مبعوضترین

حلال ها و امری که خشم خدا را به دنبال دارد، تعبیر شده است.^۴ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ما من شیء مما احله الله عزوجل ابغض الیه من الطلاق...»^۵ هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده است، نزد او متفورتر و ناپسندتر از طلاق نیست.»

جریان فمینیسم که با ادعای دفاع از حقوق زنان پا به عرصه مبارزه با ستم علیه زنان نهاد، اما بدون توجه به ابعاد گوناگون زندگی بشری و بدون آگاهی از نیازهای واقعی هر دو جنس، به نظریه پردازی و سپس تلاش برای اعمال سیاست های عملی خاص درباره زنان پرداخت و از این راه نه تنها ستم علیه زنان را محو نکرد، بلکه خود زمینه ساز ظلم بر زنان شد.

فمینیست ها ریشه فرودستی زنان را کانون خانواده می دانند.^۶ در حالیکه خانواده در ایران، کانونی مقدس است که نیاکان این مرز و بوم، در جهت پاسداشت آن، بسیاری از تمایلات شخصی خویش را به فراموشی سپردند؛ اما اکنون با ورود تفکرات فمینیستی به ایران، خانواده محل ظهور بسیاری از کشمکش ها شده است. ترویج این تفکرات در کشور ایران، منجر به افزایش طلاق و جدایی بسیاری از زوج ها شد. به همین جهت ضرورت دارد چگونگی تأثیر تفکرات فمینیستی در

افزایش طلاق خانواده‌های ایرانی بررسی شود تا بتوان با پیامدهای آن مقابله نمود. درباره حقوق زنان و نقد فمینیسم، کتب و مقالات بسیاری به تحریر درآمده است که مقاله خانم فریبا علاسوند با عنوان: سرگردانی فمینیسم در راه یابی به مسائل زنان را می‌توان نام برد. اما مقاله پیش رو به صورت مجزا نقش تفکرات فمینیستی را بر افزایش طلاق خانواده‌های ایرانی، با هدف فرهنگ سازی جهت جلوگیری از ورود تفکرات فمینیستی، به روش کتابخانه‌ای بررسی نموده است.

۱- مفهوم شناسی

فمینیسم،^۲ واژه‌ای فرانسوی است که برای بیان عقیده ای خاص و دفاع از حقوق برابر زنان، بر اساس برابری جنسی به کار رفته است.^۱

فمینیسم، با طرح موضوع آزادی جنسی زن و طرد نقش‌های مادری و همسری در خصوص ازدواج و خانواده دچار تعارضاتی گردید و موضع‌گیری خاصی را در این راستا اتخاذ نمود که بیشتر در جهت مخالفت و حذف این بنیان‌های اجتماعی بود. از نقطه نظر فمینیسم، مردان در جایگاه سلطه هستند و ارتباط با آنان انقیاد زنان را در پی دارد، لذا سیستم‌های متعامل زنان و مردان نظیر خانواده باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.^۳

به تدریج اندیشه‌های فمینیستی در کشور ایران نیز رخنه نمود. بطوریکه امروزه بسیاری از طلاق‌ها، ریشه در تفکرات فمینیستی دارد. در ادامه تفصیل بیشتری در این موضوع ارائه می‌شود.

طلاق (طلاق به معنای تطلیق است مثل سلام به معنای تسلیم و کلام به معنای تکلیم).^۴ در لغت به معنای آزاد ساختن از قید و بند است و آنگاه به صورت استعاره در رها کردن زن از قید و بند ازدواج استعمال شده است.^{۱۱}

۲- تفکرات فمینیستی

«فمینیسم»، به نظریه‌ای اشاره دارد که معتقد است به زنان بنا بر زن بودنشان ستم شده است یا در موقعیتهای نابرابر بوده‌اند.^{۱۲} فمینیسم مجموعه‌ای از ایدئولوژی، تفکرات، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاص است که در پی بسط و توسعه جنبش‌های زنان به منظور احقاق حقوق این جمعیت انسانی ایجاد شد. این نهضت درصدد ایجاد ساختارهای جدید برای زنان است تا بتواند پاسخگوی نیازهای آنان بوده و ارزش‌های تازه‌ای را به آنان القاء نماید.^{۱۳}

فمینیست‌ها استراتژی محوری خود را بر مبنای برابری زن و مرد، جلوگیری از ظلم و ستم علیه زنان و تولید قواعد فراملیتی به منظور ایجاد اتحاد بین زنان قرار دادند که با هنجارشکنی‌های خاصی چون خلع نمودن ولایت و سرپرستی مرد بر خانواده، ازدواج همجنس‌گرایان زن (لزبین‌ها)، اشتغال زنان در تمامی سطوح شغلی و نكوهش نقش‌های همسری و مادری زنان همراه بود.^{۱۴}

به اعتقاد فمینیست‌ها احساس برتری مردان مربوط به «نقش‌های جنسیتی» است و مفهوم جنسیت، منشأ تبعیض علیه زنان می‌باشد، لذا درصد تغییر هویت زن برآمدند تا با رشد عواملی چون: آگاهی، ایجاد اعتماد به نفس و تشکیل هویت‌های موجود برای آنان، پارادایم اجتماعی را فراهم کنند که به زعم خویش، بستر مناسبی برای آزادی و برابری زنان با مردان در تمامی سطوح بود.

آنچه باید مورد دقت قرار گیرد نقشه‌هایی است که نظام سرمایه داری در سال‌های اخیر برای بهره‌برداری بیشتر از زنان به کار بسته است به طوری که با شعار فمینیستی و رهانیدن زن از کار منزل و وظایف خانواده، زن را به عنوان نیروی کار

ارزان و مطیع و پرحوصله و پر دقت، به خدمت در کارخانجات و مراکز توزیع کالا واداشته و بصورت عملی او را با همان مشاغل شبه خانگی، به خدمتکاری جامعه گماشته است، اما این جا دیگر در خدمت صاحبان ثروت است، بدون توجه به نیازهای روحی آنان. بنابراین جنبش فمینیسم در برخی جوامع تنها نظم سنتی خانواده را از هم گسست، بدون آن که قادر باشد نظم قابل قبول و سالم دیگری را جایگزین آن سازد و لذا تخم دشمنی و رقابت را در فضای پاک خانواده پراکند و وفاو مودت و رحمت، جای خود را به رقابت و بی مهری داد و خانواده به شرکت تجاری منفعت طلبانه تبدیل شد و همه اعضاء خانواده به خصوص زنان گرفتار بحران روحی بی‌عاقبتی، غمزدگی و بیهوده بودن شدند و همه این‌ها عوارض پشت کردن به خانواده‌ای است که با قیود دینی اداره می‌شود و در آن هرکس موظف به وظایفی نسبت به خود و نسبت به سایر اعضای خانواده است.^{۱۵}

جنبش‌های فمینیستی این باور را القا می‌کنند که وقتی زنان از مسئولیت خانواده آزاد شوند، می‌توانند سیستم پدرسالاری و اسارت خانوادگی را در هم شکنند و به عنوان عضوی از جامعه،

ظرفیت‌های خلاق و مولد را توسعه دهند. در این دیدگاه، زن به‌عنوان یک مولد در طبقه کارگری و عضوی از احزاب سیاسی تلقی شده و تقسیمات طبقاتی و سرمایه‌داری، ریشه استثمار جنسی و جنسیتی زنان محسوب می‌شوند. به نظر آنان مفاهیمی همچون ازدواج رنگ باخته و انتخاب آزادانه‌ی شریک جنسی حق زنان است.^{۱۶} تغییرات رخ داده در جهان غرب در فاصله‌ی کوتاهی به کل جوامع بشری سرایت نموده و تأثیراتی جدی بر خانواده که بیش از هر چیز از تمامی تحولات علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان متأثر میشود و بویژه جایگاه زن و نقش مادری، بر جای گذاشت. این روند در آینده‌ی نه چندان دور، بحرانی جهانی را در حوزه خانواده و به خصوص مادری در پی خواهد داشت.^{۱۷}

۳- رابطه تفکرات فمنیستی و افزایش طلاق خانواده‌های ایرانی

خانواده ایرانی نیز از دگرگونی‌های حاصل از تفکرات فمنیستی بی‌نصیب نماند. به تدریج تفکرات فمنیستی در اعماق لایه‌های ذهنی و شخصیتی بانوان ایرانی نفوذ نمود؛ بطوری که حتی در خانواده‌های سنتی و اصیل ایرانی نیز می‌توان ردپایی از این جنبش مشاهده

نمود. در این نگارش، برخی از تأثیرات تفکر فمنیستی بر افزایش طلاق خانواده‌های ایرانی بیان شده است. بدون شک، خواننده محترم با رجوع به منابع، ابعاد و زوایای دیگری را نیز برداشت می‌نماید. اما جهت رعایت حجم مقاله در ادامه این نوشتار، برخی از اثرات این تفکر، در افزایش طلاق خانواده‌های ایرانی بررسی خواهد شد.

۲-۱ القای تفکرات فردگرایانه

در تصمیمات بانوان ایرانی

خانواده، همواره در طول تاریخ مرکز تعدیل خواسته‌های نفسانی بوده است. یک بانوی ایرانی، هنگامی که از درون خویش ندایی به سوی پیمودن مسیر ترقی علمی، اقتصادی و اجتماعی می‌یابد؛ آن ندا را با سایر وظایف زنانه خویش، مورد سنجش قرار می‌دهد. گاه هیچ مانعی برای رسیدن به اهداف نیکوی دنیایی و اخروی نمی‌یابد و آن را بر می‌گزیند. اما اگر اولویت‌های دیگری را بر سر راه بیابد، با مدیریت خویش رسیدن به خواسته خود را ممکن است برای مدتی تأخیر اندازد، یا راه‌های جایگزین دیگری را می‌سنجد. اما هیچ‌گاه در تصمیماتش تنها جنبه‌ی فردی خود را در نظر نمی‌گیرد.

اما با رشد فمنیسم در اقشار مختلف

جامعه ایرانی، فردگرایی حتی در برخی بانوان مذهبی نیز نفوذ کرد. در این صورت، رسیدن به خواسته‌های فردی و رشد و ترقی فرد، جایگزین تعالی خانواده قرار می‌گیرد. حفظ خانواده در فراز و نشیب‌های اجتماعی، با وجود این تفکر، کاری بسیار دشوار است؛ بدین جهت طلاق و گسست پیوند خانوادگی، مورد تمایل بسیاری از افراد می‌شود.

فردگرایی، به عنوان یکی از پیامدهای طبیعی اومانیسم و سکولاریسم، محوریت غریزه و امیال انسانی را در برابر ارزش‌ها، خلیات و رفتارها می‌پذیرد و خرد آدمی را به منزله ابزاری در خدمت تأمین منافع فردی و اغراض و امیال شخصی قرار می‌دهد. در این اندیشه، زندگی فرد به خود او تعلق دارد. این زندگی دارای خود اوست و به خداوند، جامعه و دولت تعلق ندارد و فرد می‌تواند با آن هرگونه می‌خواهد، رفتار کند. در چنین نظامی، ارزش فرد نه در حرکت تکاملی فرد، که در میدان لذت جویی مادی معنا می‌پذیرد. اصالت فرد و تمنیات او سمت و سوی حرکت انسانی را رقم می‌زنند و جوی می‌سازند که در آن، جز فضایی آزاد و رها برای رسیدن به

خواسته‌ها و امیال نفسانی وجود نداشته باشد.^{۱۸}

ریشه فروریختن خانواده در دنیای مدرن و در فرهنگ مدرنیته را باید در اومانیسم یعنی اصالت بشر و خود بنیادی او دانست که عبارت است از اصالت دادن به نفس اماره، در مقابل اصالت دادن به بندگی خدا.

حال پس از دقت به روح و فرهنگ اومانیسم که بشر را به جای خدا، ملاک همه بدی‌ها و خوبی‌ها می‌داند و در این فرهنگ «بد» چیزی است که بشر نخواهد، و «خوب» چیزی است که بشر بخواهد. آیا در چنین فرهنگی حفظ خانواده به هر عنوانی ممکن است؟ و به عبارتی دیگر آیا جمع «اصالت نفسانیات» با هر عنوانی با «حفظ خانواده» ممکن است؟ آن هم حفظ خانواده‌ای که شرط بقائش عدم حاکمیت نفسانیات است!^{۱۹}

۲-۳ تغییر نگرش بانوان ایرانی نسبت به نقش مادری

در طول تاریخ همواره مادر نقش کلیدی خانواده را ایفا نموده است و تمام اعضای خانواده حول محور آن بوده‌اند و زنان نیز به نقش مادری خود می‌بالیدند.

اما در چند دهه اخیر با تغییر سبک زندگی و ورود الگوهای غربی در جامعه نقش‌هایی جایگزین، وارد زندگی افراد شد که منجر به تحول نگاه بانوان به جایگاه اصیل و بی‌بدیل مادری شده است. این نگرش، یکی از زمینه‌های پایبند نبودن برخی بانوان به نگهداری کانون خانواده است که تمایل به زندگی افراد شد که منجر به تحول نگاه بانوان به جایگاه اصیل و بی‌بدیل مادری شده است. این نگرش، یکی از زمینه‌های پایبند نبودن برخی بانوان به نگهداری کانون خانواده است که تمایل به طلاق و رهایی از مسئولیت مادری را گسترش می‌دهد.

در جوامع غیر غربی ظلم به زنان یک رفتار منفی بوده و هست، در حالی که در فرهنگ غرب بحث روی انسان بودن یا انسان نبودن او بوده است. ارسطو زن را نسخه دوم مرد می‌داند و با نهایت تأسف همین طرز فکر وارد متون مقدس شده است.^{۲۰}

بنابراین مسئله‌ی «زن» که امروز در دنیا باید به عنوان «بحران زن» آن را نامید، یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدن، هر جامعه و هر کشوری است.^{۲۱} خانواده، کانون اصلی در جامعه و نقش مادری، محور پایداری و پویایی آن است. مکاتب فکری مادی به همراه جنبش فمینیسم، با ایجاد زمینه‌های فکری و

تغییر در باورها و ارائه تعاریفی دیگر از زن و نقش آفرینی‌های او و واسپاری کارکردهای بی‌مانند مادری و خانواده به مؤسسات اجتماعی، بیشترین نقش را در ایجاد این بحران داشته‌اند. جامعه ایرانی نیز با تغییرات فرهنگی و اجتماعی خود در دهه‌های اخیر از جمله افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، کنترل جمعیت، افزایش مهدکودک‌ها و نهادهای جایگزین نقش والدین، در حال پیمودن مسیر تجربه شده غرب است.

جنبش فمینیسم به عنوان حاصل این رویکرد و با ادعای برابری کامل زن و مرد، مادری را موقعیتی معرفی نمود که این برابری را به مخاطره انداخته و سبب ایجاد تهدیدات جسمانی، شغلی و اجتماعی برای زنان می‌شود. در مجموع تبعات زندگی ماشینی از سویی، و نیز نگرش‌های القاء شده فمینیستی از سوی دیگر، نظام خانواده و مادری را متزلزل نمود.^{۲۲}

در نتیجه این سیاست، زنان مسلمان چیزی از نوع آزادی زن غربی

به دست می آورند که به بازار کار روی می آورند و منادی جدا شدن از ارزشهای اجتماعی خویش می شوند تا بدین وسیله زن همراه با تمدن غربی در مسیر بی دینی پیش برود و الگوهای غربی را برای خود بپذیرد بدین صورت که بچه دار شدن با آزادی، استقلال و تحقق هویتشان در تضاد است.^{۲۳} بنابراین تفکرات فمینیسمی عاملی شد که بانوان مسلمان نیز دستاویز سرمایه داران اقتصادی جهان قرار گیرند و به کمترین تعداد فرزند اکتفا نمایند تا به خیال خود موقعیت اجتماعی خویش را از دست ندهند.

آنچه هنوز جوامع سنتی را به بحران‌هایی شبیه بحران جهان غرب گرفتار نکرده است، حضور زنان در فعال نگهداشتن خانواده و دلسوزی نمودن برای حفظ آن است، می توان گفت: رمز پایداری هر جامعه ای در مقابل بحران خانواده در جهان غرب، ایثار زنان در حفظ ساختار خانواده است و به همین جهت جهان غرب تلاش می کند نقش سنتی زنان را در جوامع غیر غربی تخریب نماید تا بتواند در این جوامع نیز نفوذ کامل داشته باشد، و مسؤولیت اساسی متفکران جامعه اسلامی برای تعریف درست از نقش زنان در حفظ خانواده

می تواند تأثیر این خطر را کاهش دهد.^{۲۴}

۲-۳ تغییر نگرش بانوان ایرانی

نسبت به حقوق خویش

پس از ظهور اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی، نگرش بشر به حقوق زن متحول شد. اسلام، حق زندگی شرافتمندانه در اجتماع را به زنان بخشید و اجازه شرکت در فعالیت‌های اجتماعی به شرط رعایت موازین شرعی - را داد.

آموزه‌های اسلامی، زن را در جایگاه حقیقی‌اش قرار داد؛ نه او را به عنوان برده‌ای بی اراده پذیرفتند و نه آزادی بی حساب و کتاب و خلاف طبیعت برای او قائل شدند. دست بخشایشگر اسلام، پرده‌های تاریکی و جهالت را از جمال زیبای زن برداشت و او را به عنوان انسان به رسمیت شناخت و گوهر شرف و حُسن بر دامانش فرو ریخت و تاج بزرگی و افتخار بر سر او نهاد،^{۲۵} چنان که خداوند در آیه ای فرمود: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^{۲۶} و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آن هاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده.^{۲۷}

حقوقی که دین اسلام بر عهده‌ی اعضای خانواده نهاده، مطابق با فطرت بشر است. بدین جهت از همان ابتدا در فرهنگ ایرانی آمیخته شد و خانواده‌های ایرانی با رعایت این حقوق، بسیاری از

آسیب‌ها را از خود دفع می نمودند. زن در این فرهنگ با ارزش و مایه احترام است. بانوان به حقوق و جایگاه خویش می بالند و با تدبیر خویش خانواده را به سوی کمال سوق می دهند. زن ایرانی به خوبی درک کرده بود: شریعتی که رعایت حقوقی از قبیل نفقه و مهریه و... را برای او تضمین نموده، در پی عزت و کرامت اوست.

اما از سال ۱۷۵۰ میلادی، زن در غرب اوضاع دیگری داشت. او در کارخانه کار می کرد ولی حقوقش را باید شوهرش می گرفت. این جا بود که زنان غربی در مقابل چنین جامعه ای با آن تفکر دینی، باید کاری می کردند تا ساختار حقوقی اش در جامعه تغییر کند؛ بدین جهت فرهنگ «فمینیسم» با شعار احیاء حقوق زنان شروع شد، ولی برای تحقق این هدف به نتایج سخت خطرناک گرفتار شدند. در هر حال زنان غربی در مقابل ظلم اجتماعی و تاریخی خود طوری عمل کردند که در واقعیت گرفتار ظلم مضاعف شدند و خانواده که بهترین شرایط تعالی روح زن بود و با ساختار جسمانی زن بیشتر همخوانی داشت، از دست زن غربی تا حد زیادی رفت و فمینیسم از این طریق موجب بحران خانواده شد و به تبع آن عامل اضمحلال اخلاق و رشد فحشاء گشت.^{۲۸}

متأسفانه این تفکر زنان غربی، به تدریج به خانواده‌های ایرانی نیز سرایت نمود. برخی بانوان ایرانی بدون توجه به فلسفه احکام و شرایع، خواستار تساوی حقوق زن و مرد شدند. آنان از این پس نگرشی متفاوت به حقوق خویش پیدا نمودند و تفکر‌رهایی از استیلای مردان در ذهن برخی از زنان پرورش یافت. غافل از اینکه چنین تفکری حتی زنان غربی را نتوانست از آن ظلم و تجاوزگری نجات بخشد. پس چگونه می تواند برای بانوان ایرانی مفید واقع شود؟!

بنابراین تغییر رویکرد بانوان ایرانی نسبت به حقوق خویش و خواسته برابری آنان با مردان، یکی از زمینه‌های جدایی و طلاق در خانواده ایرانی است. برخی بانوان برای رسیدن به این تساوی، به محیط‌های بیرون از خانه پناه می‌برند. این مطالبات باعث بسیاری از ناسازگاری‌ها در محیط خانه و آسیب به فرزندان شده است.

تفاوت و تبعیض در هر جایی حتی در خانواده ایرانی، امکان وجود دارد و باید بدون بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی بوسیله راهکارهای فرهنگی و... حل و فصل شود.^{۲۹} فلسفه قوانین حقوقی اسلام باید تبیین شود. چنانچه در اجرای آن از سوی برخی مردان سهل‌انگاری شود، نیاز به

اقدامات فرهنگی و قضایی دارد؛ بنابراین راه حل مشکلات حقوقی زنان در جامعه ایرانی، نسخه غربی نیست. بنابراین چنانچه نظام حقوقی زن در خانه و اجتماع نیاز به ارزیابی داشته باشد، ابتدا باید طبیعت و قوانین شریعت راهنما قرار گیرد و در مرحله بعد از مجموع تجربیات گذشته و قرن حاضر بهره برداری شود. تنها در این صورت نهضت حقوق زن به معنای واقعی تحقق می‌یابد.^{۳۰}

۳-۴ تغییر رویکرد مردان ایرانی نسبت به وظایف و جایگاه خویش

تا این قسمت از نوشتار، مسأله از زاویه بانوان ایرانی بررسی شده است. اما تفکر فمنیستی چون توازن حقوق و وظایف را در اذهان دگرگون ساخت؛ رویکرد مردان ایرانی را نیز نسبت به وظایف، نقش‌ها و هویت مردانه خویش تحت تأثیر قرار داد. از آنجایی که رسالت این نوشتار بررسی تفکر فمنیستی در افزایش طلاق است، لازم است که بازخورد این تفکر، در رویکرد مردان نسبت به وظایف مردانه خویش و هویت زنانه جنس مقابل بررسی شود.

با توجه به فرهنگ برخواسته از دل قرآن کریم، مردان ایرانی در راه

مسئولیت‌های خویش تا پای جان فداکاری می‌نمودند. زیرا خداوند فرموده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^{۳۱} مردان سرپرست و نگهبان زنانند.^{۳۲} اما پس از ترویج تفکر فمنیستی، مردان جامعه که تا کنون مسئولیت حفاظت و تأمین نیازهای خانواده را بر عهده داشتند، با استقلال طلبی و عدم وابستگی (اقتصادی، اجتماعی، عاطفی) همسران شان مواجه شدند. بدین ترتیب جایگاه خویش را در خانواده واژگون یافتند.

با گسترش تفکرات فمنیستی در زنان ایرانی، پایبندی و تعهد مردان در مقابل مسئولیت‌ها و وظایف خویش کاسته می‌شود.

مرد ایرانی تا کنون زن را مظهر جمال آفرینش و خود را پاسدار حفاظت از آن می‌دانست؛ اما اکنون با رسوخ مرد انگاری در قاموس فکری و رفتاری زنان، دیدگاه مرد نسبت به زن تغییر یافته است. این پدیده به مرور زمان زمینه دوری زن و شوهرها از یکدیگر و طلاق رسمی و غیررسمی را در پی دارد.

البته کج روی‌ها و فسادهای دیگری از

دل این پدیده، خانواده و اجتماع را تهدید می‌نماید.

نتیجه‌گیری

ریشه فروریختن خانواده در دنیای مدرن و در فرهنگ مدرنیته را باید در اومانیسم یعنی اصالت بشر و خود بنیادی او دانست.

تغییر نگرش بانوان ایرانی و بروز رفتارهای استقلال طلبانه از سوی آنان، به مرور زمان زمینه دوری زوجین از یکدیگر و طلاق رسمی و غیر رسمی را در پی دارد.

آنچه هنوز جوامع سنتی را به بحرانهایی شبیه بحران جهان غرب گرفتار نکرده است، حضور زنان در فعال نگهداشتن خانواده و دلسوزی نمودن برای حفظ آن است.

با رشد فمینیسم در اقشار مختلف جامعه ایرانی، فرد گرایی حتی در برخی بانوان مذهبی نیز نفوذ کرد. در این صورت، رسیدن به خواسته‌های فردی و رشد و ترقی فرد، جایگزین تعالی خانواده قرار می‌گیرد. حفظ خانواده در فراز و نشیب‌های اجتماعی، با وجود این تفکر، کاری بسیار دشوار است؛ بدین جهت طلاق و گسست پیوند خانوادگی، مورد تمایل بسیاری از افراد می‌شود.

تغییر رویکرد بانوان ایرانی نسبت به

حقوق خویش و خواسته برابری آنان با مردان، که از نتایج رواج تفکرات فمینیستی بشمار می‌رود، یکی از زمینه‌های جدایی و طلاق در خانواده ایرانی است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ویلیام، گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۷۷.
- ۲- محمد بن حسن، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴.
- ۳- شکیبی سادات، جوهری، معماران تربیت: منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی، ص ۹۸، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۷، ص ۹۸.
- ۴- رضایی، مریم، رضایی، مبفوضیت طلاق در اسلام، رواق اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳، ص ۲.
- ۵- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴.
- ۶- چراغی، اسماعیل، فمینیسم و نوع نگاه به خانواده، ص ۱۰.
- ۷- Feminism
- ۸- محمد صادق، مهدوی، ص ۲۹، دولتی، غزاله، نگاهی به اصل برابری فمینیسم و موانع اشتغال زنان، نشریه بانوان شیعه، ش ۹، ۱۳۸۵، ص ۲۹.
- ۹- مریم، فرهمند، واگردهای فمینیستی در ازدواج، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۵ شماره ۳۱، ص ۴.
- ۱۰- فضل بن حسن، طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۲۵ و فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۷.
- ۱۱- حسین، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن،

ص ۵۲۳

۱۲- فریبا علاسوند، زن در اسلام، دفتر مطالعات و

تحقیقات زنان، قم، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۵۶

۱۳- فرهمند، همان، ص ۲.

۱۴- همان، ص ۳.

۱۵- اصغر، طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد،

ص ۲۴۲-۲۴۳.

۱۶- فرهمند، ص ۴.

۱۷- مونس، سیاح، حسینی مجرد، اکرم، بررسی

بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر

جامعه ایرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان،

شماره ۵۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱-۲.

۱۸- اسماعیل، چراغی، فمینیسم و نوع نگاه به

خانواده، معرفت، ۱۳۸۶، شماره ۱۱۶، ص ۶.

۱۹- طاهر زاده، ص ۲۳۱.

۲۰- طاهرزاده، ص ۲۳۱-۲۳۳.

۲۱- بیانات رهبری در دیدار جمعی از بانوان

نخبه، www.khamenei.ir، ۱۳۹۰/۳/۱.

۲۲- سیاح، ص ۱-۲.

۲۳- سید حسین، حسینی طهرانی، رساله نکاحیه،

کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر

مسلمین، ص ۸۹.

۲۴- طاهر زاده، ص ۲۳۳.

۲۵- زهرا، عظیمی، نگاهی به حقوق زن در اسلام،

ص ۱۴.

۲۶- بقره (۲)، ۲۲۸.

۲۷- ناصر، مکارم شیرازی، ترجمه قرآن کریم،

ص ۳۶.

۲۸- طاهر زاده، ص ۲۳۱-۲۸۷.

۲۹- فریبا، علاسوند، سرگردانی فمینیسم در راه

یابی به مسائل زنان، نشریه کتاب ماه، شماره ۲۶،

۱۳۸۹، ص ۲۴.

۳۰- ر.ک: مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در

اسلام (مجموعه آثار شهید مطهری)، ج ۱۹، ص ۳۰.

۳۱- نساء (۴)، ۳۴.

۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم،

ص ۸۴.

منابع و مأخذ

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه

آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

۲. جوهری، شکیبا سادات، معماران تربیت: منزلت زن از

دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی، مرکز

پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی

ایران، تهران، ۱۳۸۷.

۳. چراغی، اسماعیل، فمینیسم و نوع نگاه به خانواده،

معرفت، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۶.

۴. حسینی طهرانی، سید حسین، رساله نکاحیه، کاهش

جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، نشر

علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳ق.

۵. رضایی، مریم، مبعوضیت طلاق در اسلام، رواق

اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳.

۶. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، داوودی،

صفوان عدنان، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۷. سیاح، مونس، حسینی مجرد، اکرم، بررسی بحران

مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی،

فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳، پاییز ۱۳۹۰.

۸. طاهر زاده، اصغر، زن آنگونه که باید باشد، لب المیزان،

اصفهان، ۱۳۸۷.

۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع،

تصحیح گرجی، ابولقاسم، نشر حوزه علمیه قم، بی‌تا.

۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق

حسینی اشکوری، احمد، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵

ش.

۱۱. عظیمی، زهرا، نگاهی به حقوق زن در اسلام،

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری

اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.

۱۲. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، دفتر مطالعات و

تحقیقات زنان، قم، ۱۳۹۲.

۱۳. علاسوند، فریبا، سرگردانی فمینیسم در راه یابی

به مسائل زنان، نشریه کتاب ماه، شماره ۲۶، ۱۳۸۹.

۱۴. فرهمند، مریم، واگردهای فمینیستی در ازدواج،

مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۵ شماره ۳۱.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، غفاری،

علی اکبر، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۱۶. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، دفتر

مطالعات و تحقیقات زنان، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

۱۷. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام

(مجموعه آثار شهید مطهری)، نشر صدرا، تهران،

۱۳۸۴.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم، دفتر

مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳ش.

۱۹. مهدوی، محمد صادق، دولتی، غزالی، نگاهی به

اصل برابری فمینیسم و موانع اشتغال زنان، نشریه

باتوان شیعه، ش ۹، ۱۳۸۵.

۲۰. مونس سیاح، مونس، حسینی مجرد، اکرم،

بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر

جامعه ایرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان،

شماره ۵۳، پاییز ۱۳۹۰.

۲۱. www.khamenei.ir، دفتر حفظ و نشر آثار

آیت الله العظمی خامنه‌ای.

نقش فضای مجازی بر ازدیاد طلاق

فاطمه ترابی - سطح دو حوزه
و کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

می باشد که به تدریج به معضل طلاق
می انجامد.

کلید واژگان: فضای مجازی، خانواده،
طلاق

مقدمه

فضای مجازی همچون شمشیر دو
لبه دارای جنبه های مثبت و منفی است
. امروزه به جهت استفاده بی رویه و بیش
از حد از فضای مجازی در سطح خانواده،
سبب ایجاد تعارضات در زندگی زناشویی
شده که این امر به تدریج به مساله طلاق
می انجامد.

این تحقیق به بررسی نقش فضای
مجازی بر مساله طلاق می پردازد. نگارنده
در ابتدا به مفهوم شناسی واژگان پرداخته
و سپس به بررسی نقش فضای مجازی
در مساله طلاق می پردازد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- چیستی فضای مجازی

فضای مجازی از سایبر به معنای

چکیده

این مقاله در نظر دارد تا تأثیرات
فضای مجازی بر روند افزایشی طلاق
را واکاوی نماید. نگارنده در ابتدا به
مفهوم شناسی واژگان پرداخته و
سپس چالش های فضای مجازی بر
روند افزایشی طلاق را با روش
توصیفی - تحلیلی مطرح کرده است.
نتایج پژوهش حاکی از آن است که
فضای مجازی علاوه بر داشتن مزایا،
دارای معایبی است. نداشتن آگاهی
در زمینه فضای مجازی، می تواند
آسیب های اخلاقی بسیاری برای
خانواده به همراه داشته باشد.
استفاده بیش از حد از فضای مجازی
موجب تغییر ارزش ها و هنجارهای
اخلاقی و اجتماعی در جامعه شده
است. تهدید سلامت اخلاقی
خانواده، خیانت، انحراف و روابط
نامشروع، رواج عشق های مجازی،
طلاق عاطفی و ... از مهم ترین
چالش های استفاده از فضای مجازی

۱-۲- طلاق

در لغت برای واژه طلاق معانی متعددی ذکر شده است که از جمله ی آن ترک کردن، وا گذاشتن، مفارقت و جدایی است^۲ که به صورت استعاره به «رها کردن زن از قید و بند ازدواج» اطلاق می‌شود.^۱

طلاق در اصطلاح فقه «ازاله قید نکاح بدون عوض با صیغه خاص آن»^۳ می‌باشد.

۲- نقش فضای مجازی بر مساله طلاق

فضای مجازی همچون شمشیر دو لبه دارای جنبه های مثبت و منفی بوده که جایگاه ویژه ای در بین خانواده‌ها پیدا کرده است؛ یعنی همان طور که استفاده از این فضا، موجب کسب حمایت‌های اجتماعی در بین خانواده‌ها می‌شود، از سویی، تعاملات خانوادگی را نیز کاهش می‌دهد. لذا استفاده از آن در مسیر مثبت، باید با برنامه ریزی باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

«این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی مان چند برابر بزرگتر شده، همینطور رو به رشد غیر قابل توقف (اول بلا آخر) است.» طبق فرمایش ایشان، بعضی‌ها کلاً در فضای

سکان دار یا راهنما گرفته شده است. این واژه (سایبرنتیک) برای اولین بار توسط ریاضیدان به نام نوربرت ونیز در کتابی به عنوان سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین در سال ۱۹۴۸ استعمال شده است. «سایبرنتیک» علم مطالعه و کنترل مکانیزم‌ها در سیستم های انسانی و ماشینی است.^۱

فضای مجازی اصطلاحی است که برای اولین بار توسط ویلیام گیسون^۲ - نویسنده داستان های علمی- تخیلی به کار برده شده است.^۳ وی، فضای مجازی را محیطی برخاسته از اطلاعات نامرئی که می‌تواند اشکال مختلفی بگیرد، تعریف می‌کند. او برای کمک به فهم این مفهوم سازی به تعریف اجزای فضای مجازی از طریق اینترنت می‌پردازد.^۴

فضای مجازی به مجموعه‌ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی اطلاق می‌شود.^۵ این فضا بر خلاف فضای واقعی نیازی به جابجایی فیزیکی نمی‌باشد و همه ی جزییات به وسیله کلید انجام می‌شود. به تعبیر دیگر فضای مجازی «محیطی تشکیل یافته از سامانه‌ها و شبکه های ارتباطی متصل به هم است که قابلیت هر نوع رفتار متناسب با محیط مبادله، داده، ذخیره و انتشارات اطلاعات را دارد».^۶

مجازی تنفس می‌کنند، می‌گویند فضای مجازی چیزی خوب و فرصتی است که باید از این فرصت استفاده نمود، این کافی نیست. مخاطب واقعی، میزگرد، سخنرانی، بحث‌های چند نفره، جلسات تحلیلی لازم است.^{۱۰}

سستی بنیان خانواده و افزایش طلاق یکی از مسائلی است که با فضای مجازی ارتباط مستقیم دارد فضای مجازی به عنوان یک وسیله ارتباطی، زندگی فردی و اجتماعی همگان به خصوص زوجین را به مخاطره انداخته است. در این اثنا، هر یک از زوجین در چرخه ارتباطی خویش با یکدیگر به کیفیت روابط و احساسات بی توجه بوده که این مساله به نمود کمتر احساسات منجر می‌گردد.^{۱۱} فضای مجازی، کشمکش‌ها و دغدغه‌هایی در خانواده ایجاد می‌کند که با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی همراه است. لذا فضای مجازی به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده تعارض در زندگی خانوادگی مطرح است. چنین فضایی، بر سبک زندگی اسلامی همگان، خدشه وارد می‌کند؛ افراد را از کانون گرم خانواده دور کرده و آنان را به انزوا می‌کشاند. از این رو چالش‌های فضای مجازی، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی، خانوادگی و

روانی باشد.

به طور کلی گسترش فضای مجازی به جهت افزایش سطح آگاهی افراد است اما استفاده از این فرصت با تهدیداتی همراه است که مهم‌ترین آن، طلاق عاطفی است که به علت استفاده افراطی از این فضا به عنوان تفریح و سرگرمی و یا رفع نیازهای جنسی صورت می‌گیرد. در نتیجه پیامدهای آن از قبیل ضعف بنیان خانواده، عادی سازی روابط زوجین، همجنس‌گرایی و ... مشاهده می‌گردد.^{۱۲}

مهم‌ترین چالش‌های فضای مجازی که کانون خانواده را هدف تیررس آمال خود قرار داده و موجب تضعیف آن می‌گردد؛ به طوری که به تدریج، زمینه را برای جدایی زوجین از یکدیگر، فراهم می‌سازد، عبارتند از:

الف- تهدید سلامت اخلاقی خانواده

خانواده، نخستین و مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شخصیت اخلاقی در فرد می‌باشد. در واقع هر کدام از این اعضای خانواده در ورود به جامعه، نقشی را پذیرا شده و نهاد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر اعضای خانواده بر اثر استفاده افراطی از فضای مجازی، گرفتار ضعف اخلاقی شوند، این ضعف به سایر بخش‌های جامعه نیز نفوذ می‌کند.^{۱۳}

قالب‌های ارائه‌ی محتوا، تعدد امکانات ارتباطی، سهولت دسترسی و ارزان و کم هزینه بودن خدمات آن، همگان را مجذوب خویش نموده است؛ به طوری که دوری از این فضا برای وی، ناممکن می‌شود که این مساله نوعی اعتیاد اینترنتی است. به تعبیر دیگر اعتیاد اینترنتی، استفاده بیش از حد و غیر ضروری افراد از فضای مجازی و وابستگی شدید حضور در آن است؛ به گونه‌ای که زمینه اختلال در سایر امور زندگی را فراهم می‌سازد. حضور مداوم در فضای مجازی، دلتنگی به هنگام تمام شدن شارژ اینترنت، گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی حتی در مهمانی‌های خانوادگی و... نشان‌دهنده‌ی معضل اعتیاد اینترنتی در خانواده است. این مساله علاوه بر مشکلات جسمی که به همراه دارد، موجب ترویج رذایل اخلاقی از قبیل اتلاف عمر، بی‌توجهی اعضای خانواده به یکدیگر، بدگمانی زوجین به یکدیگر، قطع رحم، بی‌اعتنایی به قول و قرار و تعهدات خانوادگی، کاهش روابط و تضعیف اعتماد متقابل اعضای خانواده به ویژه زوجین و در نهایت طلاق می‌شود.^{۱۴}

ب- انحراف و روابط نامشروع در چت رومها و شبکه‌های اجتماعی

از دیگر چالش‌های فضای مجازی که زمینه انحراف در کانون خانواده را فراهم می‌سازد، چت روم‌ها و اتاق‌های گفتگو در شبکه‌های اجتماعی است که زمینه ساز انحراف و خیانت زوجین به یکدیگر می‌باشد. آمارها نشان می‌دهد تأثیر فضای مجازی در بستر ارتباطات زناشویی در مردان ۱۰ درصد و در زنان ۱۳ درصد عامل مستقیم طلاق بوده است. ۵۰ درصد در مردان و ۸۵ درصد در زنان، عامل انحراف و شیوع، رفتارهای فرا زناشویی و رفتارهای غیر اخلاقی بوده است.^{۱۵} امروزه مردان و زنانی در پیام‌رسانها و شبکه‌های اجتماعی در کمین انسانهایی نشست‌ه‌اند که خواسته‌های نفسانی و شیطانی خود را در پرتوی چت و گفتگو با آنها مطرح کنند و بتوانند به اهداف شوم خویش دست یابند.^{۱۶} خداوند متعال انسان‌ها را از پیروی از وسوسه‌های شیطانی، منع کرده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۱۷}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان

می‌دهد.»

پدیده دیگری در فضای مجازی وجود دارد، درخواست‌های متعدد مبنی بر ارتباط نامشروع با جنس مخالف است که متأسفانه در جامعه کنونی، شیوع پیدا کرده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً
وَسَاءَ سَبِيلًا»^{۱۸} و هرگز به عمل زنا
نزدیک نشوید، که کاری بسیار زشت و
راهی بسیار ناپسند است.»

چنین چالش‌هایی برخاسته از فضای مجازی، زندگی واقعی و حقیقی زوجین را دستخوش تغییر و تحولات کرده است؛ به طوری که هر یک از زوجین در مسیر خود گام برداشته و به دنبال اهداف خویش هستند. حال آن که زندگی زناشویی باید مملوء از عشق، محبت و آرامش باشد و ارضای نیازها از طریق مشروع تأمین گردد.

به طور کلی گستردگی ارتباط در فضای مجازی سبب تشکیل خانواده مجازی بر مبنای اعتماد و همدلی میان آنان شده است. طبیعی است که خانواده مجازی، ارزش‌هایی را به صورت مستقیم و غیر مستقیم به اعضای خود القا

کند که لزوماً با ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی خانواده حقیقی در تضاد می‌باشد. در چنین صورتی است که فضای مجازی، فرآیند ارتباط با جنس مخالف را برای یکدیگر تسهیل می‌کند.

هم‌چنین افزایش توقعات جنسی و غیر واقعی از یکدیگر (به پیروی از فیلم‌های پورن فضای مجازی)، نارضایتی جنسی، سوء ظن و بدبینی به یکدیگر، خیانت به همسر و... از پیامدهای این مساله است^{۱۹} که هر کدام از این‌ها به تنهایی می‌تواند عاملی برای جدایی همسران شود.

ج- نقض حریم خصوصی

فضای مجازی با وجود مزایایی که دارد، محیطی بسیار آسیب‌زاست. معمولاً شبکه‌های اجتماعی، امکاناتی را در اختیار کاربران قرار داده تا بتوانند تصاویر و اطلاعات شخصی خود را در صفحات مجازی قرار دهند. رواج استفاده از انواع شبکه‌های مجازی موجب شده زوج‌های شکاک، فرهنگ اعتماد به همسر را کنار گذاشته و افرادی را ترغیب کرده تا در فضای مجازی به سراغ همسرشان بروند و با این روش پایبندی همسر خویش را امتحان می‌کنند.^{۲۰}

هنگامی که افراد بی اخلاق در این فضا با امکان ناشناس ماندن، ترکیب شوند، مشکلات اخلاقی جبران ناپذیری پدید آمده که یکی از آن‌ها، دست اندازی به حریم خصوصی افراد می‌باشد. مواردی از قبیل نا آشنایی کاربران از چگونگی حضور در فضای مجازی، ناآگاهی آنان از شیوه‌های نقض حریم خصوصی و سرقت اطلاعات شخصی و... زمینه را برای نقض حریم خصوصی و ایجاد مشکلات اخلاقی، مالی و روانی مهیا می‌کند.^{۲۱} با نقض حریم خصوصی و آسیب‌های ایجاد شده، ممکن است زوجی نتواند آن را مدیریت کند و جدایی و طلاق را برگزیند.

د- انزوا و طلاق عاطفی

استفاده بیش از حد از فضای مجازی باعث ایجاد انزوای اجتماعی می‌گردد؛ چرا که افراد سعی می‌کنند به جای ارتباطات کلامی و رو در رو، از ارتباطات مجازی بهره ببرند. لذا از فعالیت‌ها و ارتباطات خانوادگی به دور مانده و به انزوا کشیده می‌شوند.^{۲۲}

از پیامدهای دیگر فضای مجازی این است که زوجین در عین این که در ظاهر با هم زندگی می‌کنند، از یکدیگر جدا می‌باشند. در واقع بین آن‌ها طلاق عاطفی رخ داده است. به گفته رییس

انجمن مددکاران اجتماعی ایران، «استفاده بیش از حد از شبکه های اجتماعی در محیط خانوادگی با کاهش سطح ارتباطات عاطفی، میزان گفتگو در خانواده را حتی از ۱۵ دقیقه در روز کمتر کرده است».^{۲۳}

طلاق عاطفی، اشاره به روابط سرد و پر تنش زوجین دارد و زمانی اتفاق می‌افتد که زوجین در ظاهر به زندگی مشترک خود بنا به هر دلیلی زندگی می‌کنند ولی روابط میان آن‌ها پر از مشاجره است که این مفهوم در سه بُعد ذهنی، رفتاری و کلامی وجود دارد.^{۲۴}

نتیجه

فضای مجازی، ابزاری مفید و کاربردی در زندگی روزمره محسوب می‌شود و اهمیت کارکرد آن بر کسی پوشیده نیست اما استفاده نادرست و ناآگاهانه از آن مانند هر ابزار دیگری دارای پیامدهای منفی است که نگرانی‌هایی در سطح خانواده ایجاد نموده است.

یکی از بزرگترین مضرات اجتماعی، افزایش بی رویه طلاق است که به مساله فضای مجازی مرتبط می‌باشد. استفاده بیش از حد فضای مجازی موجب تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی در

جامعه شده است. تهدید سلامت اخلاقی خانواده، خیانت، انحراف و روابط نامشروع، رواج عشق‌های مجازی، طلاق عاطفی و ... از مهم‌ترین چالش‌های استفاده از فضای مجازی می‌باشد که به تدریج به معضل طلاق می‌انجامد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مسعود، جعفری نژاد و دیگران، «نقش فضای مجازی در قدرت نرم»، مجله دانش سیاسی و بین الملل، ۱۳۹۱، ش ۴، ص ۳۸

۲- William Gibson

۳- ملیحه عسکرزاده و دیگران، «تأثیرات فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین»، PURE LIFE, Vol. ۶, No. ۱۸, (1441 Muharram, 1398 Shahrivar, Sep-tember 2019), ص ۱۰۶

۴- علی، مرشدی زاد، ظرفیت‌های فراروی جهان اسلام در فضای مجازی، تهران، دانشگاه امام صادق ع و پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباط، ۱۳۹۲، ص ۲۲

۵- مسعود، جعفری نژاد و دیگران، «نقش فضای مجازی در قدرت نرم»، ص ۳۸

۶- محمد مهدی، کریمی نیا و دیگران، «واکاوی بایدها و نبایدهای اخلاقی فضای مجازی»، مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی - علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱۴۰۰، ش ۳۷، ص ۱۸۱

۷- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۲.

۸- محمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص

۲۳۰

۹- محمد حسن، تجفی، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء

التراث العربی، ۱۹۸۱ م، ج ۳۲، ص ۲

۱۰- سخنرانی مقام معظم رهبری، بازآفرینی محتوای دینی در فضای مجازی، قم، شهریور ۱۳۹۶

۱۱- مریم، درستانی و مهدی، روحانی، «پدیده‌های جدید فضای مجازی در ایران از دیدگاه کارشناسان ارتباطات»، مطالعات رسانه‌ای، ش ۲۶، ۱۳۹۳، ص ۵۹

۱۲- فرشته، حاج محمدی، سمیرا حاج محمدی، تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۸، ص ۲۱۳

۱۳- حسینعلی، رحمتی، «ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن»، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۸، ص ۱۸

۱۴- همان، ص ۱۹

۱۵- هادی، حسینی، «آسیب‌های فضای مجازی در بین خانواده‌ها»، معارف اسلامی: تبلیغ و ارتباطات، ۱۳۹۷، ش ۱۲، ص ۵

۱۶- حمید، فلاحتی، «آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی»، مجله پایش، ۱۳۹۳، ش ۲، ص ۷۹

۱۷- نوره، آیه ۲۱

۱۸- اسراء، آیه ۳۲

۱۹- حسینعلی، رحمتی، «ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن»، صص ۸-۱۵

۲۰- فرشته، حاج محمدی، سمیرا حاج محمدی، تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده ص ۲۱۶

۲۱- حسینعلی، رحمتی، «ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن»، ص ۲۱

۲۲- علی اکبر، شاملی، آسیب های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۵، ص ۱۹

۲۳- نارنمای خبرگزاری صدا و سیما؛ ۴/۵/ ۱۳۹۵

۲۴- مجید، کفاشی و سمیه، سرآبادانی، «عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه دار و شاغل شهر قم»، فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۱۴۰

منابع و مآخذ

۱. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

۲. جعفری نژاد، مسعود و دیگران، «نقش فضای مجازی در قدرت نرم»، مجله دانش سیاسی و بین الملل، ۱۳۹۱، ش ۴.

۳. حاج محمدی، فرشته، حاج محمدی، سمیرا، تاثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۸.

۴. حسینی، هادی، «آسیب های فضای مجازی در بین خانواده ها»، معارف اسلامی؛ تبلیغ و ارتباطات، ۱۳۹۷، ش ۱۲.

۵. درستانی، مریم و روحانی، مهدی، «پدیده های جدید فضای مجازی در ایران از دیدگاه کارشناسان ارتباطات، مطالعات رسانه ای، ۱۳۹۳، ش ۲۶.

۶. رحمتی، حسینعلی، «ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن»، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۸.

۷. شاملی، علی اکبر، آسیب های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی، فصلنامه اخلاق، ۱۳۹۶، ش ۲۵

۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.

۹. عسکر زاده، ملیحه و دیگران، «تاثیرات فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین»، PURE LIFE, Vol. ۶, No. ۱۸ (Muharram ۱۴۴۱ Shahrivar ۱۳۹۸). ۲۰۱۹ september

۱۰. فلاحتی، حمید، «آسیب های اجتماعی در فضای مجازی»، مجله پایش، ۱۳۹۳، ش ۲.

۱۱. کریمی نیا، محمد مهدی و دیگران، «واکوی بایدها و نبایدهای اخلاقی فضای مجازی»، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی- علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱۴۰۰، ش ۳۷.

۱۲. کفاشی، مجید، و سرآبادانی، سمیه، «عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه دار و شاغل شهر قم»، فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۱۳۹۳، ش ۵.

۱۳. مرشدی زاد، علی، ظرفیت های فراروی جهان اسلام در فضای مجازی، تهران، دانشگاه امام صادق ع و پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباط، ۱۳۹۲.

۱۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.

نگرش صحیح به ازدواج و تأثیر آن در کاهش طلاق

فاطمه قیامی - سطح سه حوزه

چکیده

هدف این نوشتار بررسی نگرش صحیح به ازدواج و تأثیر آن در کاهش طلاق است. نگرش به ازدواج از ساز و کارهای کلیدی برای پیش بینی رفتار واقعی فرد در ازدواج محسوب می‌شود و به صورت بارز در تشکیل زندگی مشترک میان زن و مرد نمود یافته است. در مبانی و گزاره‌های دینی به ازدواج تأکید و سفارش فراوان شده و معیارهایی اساسی چون ایمان و باورهای دینی، کفویت و همانندی زوجین، اصالت و شرافت خانوادگی و... را در انتخاب همسر مناسب مؤثر دانسته است؛ از سوی دیگر تضعیف و کم‌رنگ شدن باورهای دینی، تحولات فرهنگی و اجتماعی و مشکلات اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، هزینه‌های سنگین زندگی، انحرافات اخلاقی و اجتماعی، ترس از آینده و... در نوع نگرش منفی فرد به ازدواج نقش

دارد. بنابراین نگرش‌ها و باورهای صحیح پایه‌های مهم تصمیم‌گیری برای چگونگی ازدواج و رفتارهای زناشویی را شکل می‌دهند و در تداوم زندگی و کاهش طلاق نقش برجسته‌ای دارند. این پژوهش با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی نگاشته شده است.

کلید واژه‌ها: نگرش، ازدواج، طلاق، معیارها.

مقدمه

خانواده مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و مهد پرورش فکر و اندیشه در نظر گرفته می‌شود پایه شکل‌گیری خانواده ازدواج است، ازدواج موفق همواره با پیامدهای مثبتی نظیر سلامت روانی و جسمی، رشد فکری و فلسفی، فراهم شدن محیطی مناسب برای پرورش کودکان و درنهایت ارتقاء سطح کیفیت همه جانبه جامعه همراه است. از سوی دیگر تغییرات فرهنگی،

ارزشی و نگرشی در جوامع به طور روزافزونی شدت گرفته از جمله این تحولات، تغییر نوع نگرش افراد به مقوله ازدواج، الگوها و ارزش‌های سنتی حاکم بر خانواده‌ها است که معیارهای انتخاب همسر مناسب را دچار چالش کرده و کارکردهای خانواده با نگرش منفی به ازدواج و شیوه زندگی تجردی، مختل شده است. لذا آگاهی و بررسی نگرش‌های مثبت و منفی ازدواج و معیارهای صحیح زندگی مشترک امری ضروری است. که شناسایی عوامل زمینه ساز، کاهش طلاق و افزایش رضایت ازدواج، زمینه پایداری و دوام در ازدواج را فراهم می‌نماید.

نگرش افراد به ازدواج از موضوعاتی است که مورد توجه صاحب‌نظران اجتماعی قرار گرفته و تحقیقات و مقالات فراوانی در این زمینه انجام شده اما موردی با پژوهش حاضر به شکل مبسوط و مستقل یافت نشد که با بیان معیارها و نگرش مناسب به انتخاب همسر، تاثیر آن را در کاهش طلاق بررسی کرده باشد. در این نوشتار به موضوعاتی چون نگرش به ازدواج، انواع آن، نگرش صحیح به ازدواج با نگاه درون دینی و عوامل مؤثر بر نگرش‌ها اشاره شده است.

تعریف مفاهیم

نگرش: مفهوم نگرش در روان‌شناسی اجتماعی عبارت از آمادگی به نسبت ثابت در برابر یک موضوع اجتماعی (مانند نهاد، فرد، گروه و اندیشه) است که سبب رفتارها و ایده‌های مثبت یا منفی (گرایش داشتن یا نداشتن، علاقه‌مندی یا نفرت) خاص می‌شود. نگرش‌ها به‌طور مستقیم مشاهده‌پذیر نیستند؛ ولی در تعیین رفتارها، ایده‌ها و بازسازی فرد و ادراک او نسبت به موضوع‌های اجتماعی نقش دارند. نگرش به معنای طرز تلقی، وجهه نظر، طرز فکر، رویه و تمایل به بازخورد است.^۱

ازدواج: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است.»^۲ در بینش اسلامی، مقصود از «ازدواج»، پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است که معمولاً بالغ بوده و طبق شرایط شرعی و قانونی لازم انجام گرفته است.

طلاق: به معنی بیزاری و جدایی

کامل است.^۲ برای پایان دادن به پیوند زناشویی به کار می‌رود.

نگرش به ازدواج

ازدواج از مؤلفه‌های جدی و اساسی تشکیل هر جامعه سالم به شمار می‌رود و به عنوان اولین گام برای تشکیل نهاد خانواده به معنی درهم آمیختن دو چشم انداز، دو تاریخچه و ارزش‌ها و جهان بینی‌های متفاوت است و پیوندی میان زن و مرد است که به واسطه تعهدی دائمی و منحصر به فرد بین آنها ایجاد می‌شود.^۳ ازدواج به لحاظ مقتضیات فرهنگی و اجتماعی جامعه و آموزه‌های دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مبانی اسلام، ازدواج پیوندی مقدس و میثاقی محکم^۴ است که محبوب حق تعالی^۵ بوده و در حفظ دین^۶ و پذیرش عبادت انسان^۷ و شکل‌گیری مودت و رحمت^۸ نقش فراوانی دارد و آثار سازنده آن در زندگی فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. بنابراین ازدواج اولین و مهمترین مرحله از چرخه‌ی زندگی خانوادگی است که در انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد.

تصوراتی که افراد نسبت به ازدواج دارند در قالب نگرش به ازدواج نمایان می‌شود. روان‌شناسان اجتماعی بر این باورند که نگرش فرد نسبت به یک شیء به واسطه تفکر متداوم و برآیند واکنش‌های متقابل فرد با شیء است.^۹ نگرش به ازدواج عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد درباره ازدواج که در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد و نتیجه گذر از مراحل مختلف و فعل و انفعالات ذهنی خاص است.^{۱۱}

نگرش به ازدواج نشان‌دهنده عواطف، تمایلات، پیش‌فرض‌ها، تخیلات، سوگیری‌ها، ترس‌ها، عقاید و شیوه فکر و احساس افراد در مورد ازدواج است.^{۱۲} عواملی چون خصوصیات شخصی افراد و جو حاکم در خانواده و روابط اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌ها در افراد مؤثر است نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت روابط زناشویی دارند و به صورت مستقیم بر فرآیند ارتباطی زوج‌ها اثر می‌گذارد رضایت زناشویی زوج‌ها را نیز متأثر می‌سازد.^{۱۳}

شکل‌گیری نگرش به ازدواج با دو رویکرد نظری توجیه پذیر است:^{۱۴}

الف) نظریه دل بستگی: براساس

این نظریه رابطه والدین در ایجاد الگوهای فعال درونی نقش دارد و الگوهای فعال

درونی ممکن است یکی از سازوکارهایی باشد که از طریق آن نگرش به صمیمیت انتقال می‌یابد. این رابطه والدین و کودک نه تنها در دوران کودکی مهم است بلکه در دوران نوجوانی نیز اهمیت دارد.

ب) نظریه یادگیری اجتماعی: در

این نظریه والدین ایده‌های خود را درباره جنس مخالف از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آنها الگو برداری می‌شود. از سوی دیگر فرزندان تجربه رابطه خود با والدین را مبنایی برای برقراری صمیمیت در روابط به کار می‌گیرند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه و دوستان نیز امکان پذیر است.

انواع نگرش به ازدواج

نگرش به ازدواج یکی از عوامل اصلی در رفتار است و بر تمام عملکردهای شخص اثر دارد و شدت و ضعف نگرش‌ها در کیفیت رفتار و نتایج آن مؤثر بوده^{۱۵} و می‌تواند نقش سازنده یا مخرب ایفا کند.

نگرش به ازدواج در دو نوع قابل بررسی است: نگرش منفی به ازدواج و نگرش مثبت به ازدواج

نوع اول - نگرش منفی به ازدواج

پیش از ازدواج، گاهی افراد معیارها،

انتظارات و توقعات مبهم و غیر واقع بینانه از یکدیگر در ذهنشان نقش بسته که ناشی از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی آنهاست و ریشه در واقعیت ندارد. پس از ازدواج و ادامه زندگی زناشویی به دلیل عدم تطابق توقعات و انتظارات با خواسته‌های خود دچار مشکلاتی می‌شوند و به ناسازگاری زوجین و طلاق میان آنها می‌انجامد. نگرش منفی به ازدواج می‌تواند به شکل خوش بینانه، بدبینانه یا ایده‌آل گرایانه در افراد نمود پیدا کند. برخی از موارد این نگرش منفی به شرح ذیل است:

تغییر رفتار همسر پس از ازدواج:

این نگرش منفی به ازدواج در زمان انتخاب همسر زیاد شنیده می‌شود، مادری که تصور می‌کند اگر فرزندش ازدواج کند رفتارهای اشتباه و سبک زندگی نامناسب خود را کنار گذاشته؛ یا زن و مردی که خیال‌پردازی می‌کنند بعد از ازدواج همه چیز به خیر و خوشی خواهد گذشت و می‌تواند خصوصیات اشتباه همسرش را تغییر دهد یا در گفتگوها و آشنایی قبل از ازدواج متوجه می‌شود طرف مقابل مسؤلیت‌پذیر نیست یا تمایلی به داشتن فرزند ندارد اما بر این تصور

است که می‌تواند با مهربانی او را مطابق میل خود تغییر دهد. در صورتی که؛

ازدواج تغییر دهنده افراد نیست بلکه ویژگی‌های نامطلوب افراد را بزرگ و پیچیده می‌کند و با ازدواج صفات نهفته مثبت و منفی آشکارتر می‌شوند و هیچ فردی قدرت تغییر دیگران را بدون اراده و تمایل خودشان ندارد. این نگرش منفی به ازدواج با گذشت زمان و عدم تغییر طرف مقابل در افکار و رفتارشان در زندگی مشترک، پشیمانی و افزایش طلاق را به همراه دارد.

ازدواج حلال تمام مشکلات؛ برخی بر این باور و نگرش منفی هستند که ازدواج نقطه پایانی برای تمامی مشکلات و نقطه شروعی برای خوشبختی است، یا برای رهایی و فرار از مشکلات خانوادگی و روانی به ازدواج پناه برده و با تصمیمی عجولانه وارد زندگی مشترک

می‌شوند. فرد باید به این درک برسد، زندگی سراسر تفریح، مهمانی و سفر نیست بلکه شامل اتفاقات غیر منتظره چون مشکلات مالی، بیماری‌های سخت، ادامه تحصیل و... است. هر چند ازدواج می‌تواند پایان بخشی از مشکلات دوره مجردی باشد اما نقطه آغازی برای مشکلات جدید است که نیازمند آگاهی، صبوری، سازگاری و حمایت یکدیگر برای حل آنها می‌باشد و نادیده گرفتن این عوامل در افزایش طلاق در میان زوجین مؤثر است.

عشق تنها ملاک ازدواج؛ چه بسیار افرادی که با یک نگاه و آشنایی کوتاه مدت عاشق شده و طرف مقابل را نیمه گمشده خود پنداشته و بدون رعایت ملاحظات خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... با وجود مخالفت خانواده ازدواج می‌کنند. چنین ازدواجی که تنها با ملاک عشق است نوعی تصمیم‌گیری احساسی و هیجانی زود گذر و موقت می‌باشد که در اغلب موارد قابل اعتماد نیست. زیرا تجربه زندگی مشترک موفق و کاهش آمار طلاق، علاوه بر عشق، به چشم عقل و منطق در کنار اخلاق، حسن خلق، صداقت، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و... نیاز دارد.

ظاهر زیبا و فریبنده؛ یکی از

مهمترین نگرش‌های منفی به ازدواج، که در بیشتر موارد در میان مردها دیده می‌شود؛ چشم دوختن به ظاهر و زیبایی جسمی زن است که فقط بر چهره، تناسب اندام، نحوه بیان و لحن طرف مقابل تأکید زیادی دارند درست است که نیاز جنسی در سلامت و امنیت روانی و بقای نسل نقش مهمی دارد؛ اما ازدواجی که فقط بر پایه نیاز جنسی و جسمی و توجه به چهره و ... طرف مقابل شکل بگیرد، ممکن است پایدار نباشد و با تغییر ظاهر و زیبایی همسر، سبب اختلاف و دوری زوجین از یکدیگر شود.

ازدواج برای کسب موقعیت‌های

مادی: توجه به روابط اجتماعی بالا، داشتن جایگاه عالی شغلی و علمی، از نگرش‌های منفی به ازدواج می‌باشد و بیشتر در خانم‌ها نمود دارد. این ویژگیها، خواسته یا ناخواسته محبوبیت و جذابیت ایجاد می‌کند و مورد مناسبی برای ازدواج به نظر می‌آید اما حقیقت ازدواج، انتخاب همسری، مطابق با شرایط و موقعیت شخصی هر فرد است و این نگرش منفی می‌تواند در افزایش طلاق و فروپاشی بنیان خانواده نقش داشته باشد.

ازدواج یعنی محدودیت: این باور و

نگرش به ازدواج وجود دارد که ازدواج، آزادی‌های فرد را محدود می‌کند و آن را نوعی گرفتاری و زندانی شدن می‌پندارد. فرد مجبور است بسیاری از خوشی‌های زندگی مجردی را کنار گذاشته و علایق و خواسته‌های خود را رها کند. روابط خود را با دوستانش کاهش دهد یا حذف نماید در صورتی که ازدواج و انتخاب خوب و مناسب نه تنها انسان را محدود نمی‌کند بلکه آرامش بیشتر و ثبات عاطفی و رضایت مندی را به همراه دارد و فرد می‌تواند با مدیریت شرایط و گفتگوی سازنده به علایق و روابط مناسب خود با دیگران ادامه دهد.

تضاد ازدواج با فردگرایی:

فردگرایی با هدف واگیزه‌منافع فردی، در برابر ساختارهای جمعی است، نگرش منفی خودمحوری و فردگرایی با ازدواج و زندگی مشترک که مسؤولیت‌هایی را برای فرد به ارمغان می‌آورد در تضاد است زیرا چنین فردی کار کردن برای خانواده (همسر و فرزندان) را نوعی بیگاری و ظلم در حق خود دانسته و از سوی دیگر فردگرا با این نگرش، احساس عاطفی و علاقه به دیگران نداشته و اجازه تعلق خاطر و حس دوست داشتن به فردی دیگر به عنوان شریک زندگی ندارد و ترجیح می‌دهد،

زندگی تجردی را انتخاب کند، یا با تأخیر و اجبار دیگران ازدواج نماید و بواسطه این افکار و نگرش، زندگی زناشویی موفق را تجربه نخواهد کرد.

ازدواج با همسری نمونه و کامل:

نگرش منفی ایده‌آلیستی، انتخاب همسری بدون هیچ عیب و نقص در افکار و رفتار است. این نگرش منفی سبب می‌شود انسان بسیاری از فرصت‌های مناسب را از دست بدهد در حالی که همه افراد دارای نقاط قوت و ضعف هستند و برتری و ایده آل بودن یکی از زوجین به شکل زیاد ایجاد اختلاف می‌کند و زمینه افزایش طلاق و جدایی را فراهم می‌سازد.

نوع دوم - نگرش مثبت به ازدواج

تشکیل خانواده و زندگی مشترک چیزی است که اکثریت مردم مایل اند از آن برخوردار باشند و منشأ تشکیل خانواده در اکثر جوامع ازدواج می‌باشد که سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است.^{۱۴} بنابراین مستلزم ازدواجی با نگرشی واقع‌گرایانه و منطقی است.

نگرش مثبت به ازدواج به عنوان یک واقعیت اجتماعی تحت تأثیر فرهنگ است. طبق بینش جامعه

شناختی «واقعیت هرگز نمی‌گوید که چیست بلکه انسان باید واقعیت را آن گونه که هست تفسیر کند و آن تفسیر با فرهنگی که به آن تعلق دارد می‌شود»^{۱۷}

فرهنگ اسلامی پاسخی مناسب برای تحقق نگرش مثبت به ازدواج ارائه می‌کند. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع تعالیم دینی تأکید بسیاری به ازدواج دارد در سه آیه از آن به اهمیت اصل ازدواج می‌پردازد و همگان را به آن تشویق و ترغیب می‌نماید.

(۱) «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِي مَنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است.»^{۱۸}

(۲) «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.»^{۱۹}

۳) وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعَدِّلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر می‌ترسید که (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم‌پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.^{۲۰}

بررسی این آیات به فلسفه و حقیقت ازدواج اشاره دارد که در سه نکته کلی می‌توان آن را مشاهده کرد:

نکته اول - تکمیل: انسان با انتخاب همسری مناسب و شایسته موجبات رشد و تکامل خویش را فراهم می‌کند و شخصیت انسان پس از ازدواج، شخصیتی اجتماعی می‌شود که مسؤولیت پذیر است و برای تأمین زندگی خانواده اش تلاش می‌نماید و استعدادها و توانمندی‌های خود را شکوفا می‌کند^{۲۱} و زن و شوهر در کنار یکدیگر از نظر روحی و جسمی

تکمیل می‌شوند.

نکته دوم - تسکین: زن و مرد موجب آرامش و امنیت روحی و روانی همسر خود می‌شوند و ثمره این احساس ثبات فکری و روانی، وقار و احساس ارزشمند بودن است.

نکته سوم - بقای نسل: ازدواج زمینه فرزند آوری و بقای نسل آدمی را فراهم می‌نماید و تکثیر نسل را نباید امری بی اهمیت پنداشت چرا که هدف آفرینش جهان و وجود انسان پرورش و تکامل اوست. به بیان علامه محمد تقی جعفری: «هر تراندراسل فیلسوف مشهور اروپایی به من نوشت: چرا اسلام این قدر به ازدواج اهمیت می‌دهد و برای آن قانون وضع کرده؟ در جواب نوشتم: مسأله انسان است، با ازدواج می‌خواهد انسان به وجود آید.»^{۲۲}

معیارهای صحیح ازدواج

یکی از موضوعات و مسائل مهم زندگی ازدواج است که نیازمند دقت و توجه بیشتری است؛ انتخاب همسر باید از روی آگاهی و بر اساس معیارهای صحیح انجام شود. شناخت معیارها و نگرش‌های صحیح به ازدواج در تداوم زندگی زناشویی و کاهش طلاق نقش مؤثری دارد.

معیارها و ملاک‌هایی که در انتخاب مناسب همسر باید در نظر گرفته شود در دو دسته قابل بررسی است:

الف. آنهایی که رکن و اساس‌اند و برای یک زندگی سعادت‌مندانه لازم‌اند.
ب. آن‌هایی که شرط کمال هستند و در بهتر و کامل‌تر شدن زندگی مشترک نقش دارند و بیشتر به سلیقه و موقعیت افراد بستگی دارد.

۱- بلوغ

بلوغ در لغت به معانی وصول به چیزی، رسیدن به مراد، رسیدن یا نزدیک شدن به پایان مقصد است^{۲۳} و در اصطلاح عام، بلوغ آغاز مرحله‌ای طبیعی در زندگی کودک است که در آن، با پیدایی و شکوفایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونی‌های جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، به مرتبه مردان و زنان نایل می‌شود.^{۲۴} انسان زمانی آمادگی ازدواج را پیدا می‌کند که به حد تعادل از بلوغ رسیده باشد که در قرآن کریم به نام بلوغ اشد از آن یاد شده است. خداوند حق تعالی می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم.^{۲۵}

بلوغ از معیارهای اساسی و شرایط اولیه در ازدواج موفق محسوب می‌شود که در تداوم زندگی و کاهش طلاق بسیار حائز اهمیت است و شامل انواع مختلف است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

۱-۱- بلوغ شخصیتی

بلوغ شخصیتی یکی از اصلی‌ترین بلوغ‌ها برای ازدواج است و ابعاد مختلفی دارد. قبل از ازدواج شناخت شخصیت و سلامت آن و علایق و خواسته‌ها لازم است چرا که اختلالات شخصیتی مانند خود کم بینی، تأیید طلبی، کمال‌گرایی، توجه طلبی، مهر طلبی، بیماری دو قطبی، اعتیادها و وسواس و ... پس از ازدواج ارتباط زوجین را دچار اختلال می‌کند. زیرا فرد ممکن است با این اختلالات شخصیتی توانایی مسؤولیت‌پذیری یا قدرت لازم برای تصمیم‌گیری و مدیریت زندگی در موقعیت‌های مختلف را نداشته و رفتارهایی غیر قابل پیش‌بینی داشته باشد. چنین فردی تا درمان نشود گزینه مناسب برای زندگی مشترک نخواهد بود.

۱-۲- بلوغ عقلی

یکی از معیارهای اساسی برای انتخاب همسر و ازدواج صحیح بلوغ عقلی است و آن زمانی در فرد حاصل می‌شود که عقل، حافظه، تصور و تخیل و توان برهان‌پذیری

و برهان آوری (استدلال) در او شکل گرفته باشد و بتواند در شرایط مختلف برای گفته‌ها و اعمال و رفتار خود دلایلی قانع‌کننده عرضه نماید^{۲۶} و فرد برای ازدواج باید به بلوغ عقلی برسد تا بتواند از انجام وظایفی که در جایگاه پدر و مادر آینده دارد، بر آید. حضرت علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «یاکم و تزویج الحمقاء»^{۲۷} از ازدواج با افراد احمق و نادان پرهیز کنید» زیرا افراد نادان و احمق نمی‌توانند کشتی زندگی را سلامت به سرمنزل مقصود برسانند و در تربیت فرزند و همسر داری دچار مشکل می‌شوند. معیار بلوغ عقلی در ازدواج، مرتبه‌ای است که انسان بتواند خانواده را در حد متعارف و قابل قبولی اداره کند.

۱-۳- بلوغ جنسی

بلوغ جنسی نیز از معیارهای اصلی در تشکیل زندگی مشترک است و با بروز فعل و انفعالات و ترشحات هورمونی در غدد درون ریز، با تغییرات سریع و محسوس در ویژگی‌های ظاهری بدن و حتی ویژگی‌های روانی همراه است. آمار بالای طلاق به دلیل مشکلات جنسی، میزان اهمیت این بلوغ را نشان می‌دهد و کسی که می‌خواهد ازدواج کند باید به بلوغ

و جسمی رسیده باشد، یعنی در درون خود، علاقه و نیاز به جنس مخالف را احساس کند و درک صحیحی از کاربرد غریزه جنسی، کنترل آن، احکام مربوطه، آگاهی از بهداشت و چگونگی تولید نسل سالم را نیز داشته باشد تا به بلوغ جسمی و جنسی لازم برای ازدواج برسد. در غیر این صورت قادر نخواهد بود با همسر خود انس و الفت ایجاد کند و نیازهای روحی او را برآورده سازد و کانون زناشویی، که در آن انس و الفت نباشد، دوام نخواهد آورد و متلاشی می‌شود.^{۲۸}

۱-۴- بلوغ عاطفی

یکی از معیارهای شرط کمال برای ازدواج بلوغ عاطفی است. شخص مستلزم بروز و ظهور رفتارهای آشکاری همچون قدرت برقراری و حفظ روابط شخصی با دیگران، درگیر شدن در تعاملات عاطفی، توان درک احساسات متقابل و توسعه حس همدلی و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر است. تردیدی نیست که موفقیت ازدواج به برخورداری همسران از استعدادها و ظرفیت‌های عاطفی بالا برای تبادل احساسات مثبت در تعاملات مشترک خانوادگی وابسته است. هر قدر تبادل عواطف

بین دو عنصر اصلی خانواده یعنی زن و شوهر بیشتر باشد، خانواده از استحکام بیشتر و بالندگی بهتر برخوردار خواهد بود.^{۲۹} در منابع اسلامی، روایات زیادی بر اهمیت نقش و ویژگی‌های شخصیتی مثبت مانند مسؤولیت پذیری، انعطاف‌پذیری، روحیه سازگاری، همدلی، عطف، مهربانی، اظهار علاقه به همدیگر وارد شده است که ثمره این توصیه‌ها در استحکام و پویایی خانواده و روابط عاطفی همسران تجلی می‌کند.

۵-۱- بلوغ اجتماعی

رشد اجتماعی فرد نیز از معیارهای شرط کمال برای انتخاب همسر است، که طی فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد، در قالب ویژگی‌هایی همچون قدرت تشخیص وظایف و مسؤولیت‌ها، قدرت انتخاب‌گری، اعتماد به نفس، انجام کنش‌های متعارف، استقلال نسبی، التزام به رعایت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و توان درگیر شدن در روابط پیچیده اجتماعی ظهور می‌یابد. این مرحله از رشد در همه عرصه‌های روابط اجتماعی و به ویژه روابط زناشویی اهمیت خاصی دارد، و اگر همسران به این مرحله از رشد - اگرچه به طور نسبی - نرسیده باشند،

با مشکلات عدیده‌ای رو به رو خواهند بود.

۲- کفویت و تناسب

در زمینه انتخاب همسر، «کفویت و همانندی» یکی از نگرش‌های صحیح و معیارهای اساسی است. «کفو» در لغت به معنای هم‌تراز و هم‌سنگ و هم‌سان بودن در منزلت و قدر و ارزش است.^{۳۰} کفویت در ازدواج میان زن و مرد دو مصداق دارد:

کفویت شرعی: کفویتی که در صحت و درستی عقد ازدواج معتبر و لازم است زن و مرد، از نظر اسلام، ایمان، هم‌سطح و هم‌تراز یکدیگر بوده و تفاوت زیادی با هم نداشته باشند.^{۳۱}

کفویت عرفی: زن و مرد از نظر شئون اجتماعی با هم متناسب باشند.^{۳۲} میان زن و مرد بایستی توافق فکری و تناسب روحی و اخلاقی وجود داشته باشد و دو همسر از نظر فرهنگ خانوادگی و روحیات، هم‌سطح یکدیگر باشند تا بتوانند به خوبی یکدیگر را درک کنند و کانون زندگی‌شان را گرم و پر رونق نگهدارند و می‌تواند این نگرش در تدوام زندگی مشترک و کاهش طلاق نقش زیادی داشته باشد. کفویت بین زن و مرد را می‌توان در ابعاد گوناگون بررسی نمود.

۱-۲- کفویت در باورهای دینی

در آموزه‌های اسلامی از مهم‌ترین عوامل پیوند پایدار و ازدواج موفق و زندگی آرام، همسویی بینش‌ها و باورهای دینی و پایبندی عملی زوجین به ارزش‌ها و معارف الهی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرد مؤمن را هم‌شان زن مؤمن و مرد مسلمان را همتای زن مسلمان دانسته و می‌فرماید: «من تزوجها لدینها جمع الله له ذلک؛ کسی که به خاطر دین و ایمان زنی، با او ازدواج کند، خداوند همه دنیایش را برای او فراهم می‌کند.»^{۲۲}

دین‌داری در دو بعد ایمان و تقوا نمود دارد. ایمان و مذهب و پایبندی به آن به عنوان یک نگرش اصلی و محوری، به طور مستقیم و غیر مستقیم همه ابعاد شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تقوا نیز، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های دینداری است. وجود آن در زن و مرد در تنظیم روابط خانوادگی، زناشویی دارای اهمیت است و بر محور آن سبب می‌شود، گناهان رخت بربندد، انصاف و عدالت در زندگی مشترک حکم فرما شود، بخشش و گذشت و ایثار به اوج خود برسد، تحمل سختی‌ها و مشکلات و مصیبت‌ها با توکل بر خداوند آسان شود و نهایت آن که اگر مدار زندگی بر

پایه تقوا و ایمان بچرخد، آرامش سراسر زندگی را فرا خواهد گرفت و زن و مرد از بودن در کنار یکدیگر بهترین لذت را خواهند برد.

۲-۲- کفویت در اصالت و

شرافت خانوادگی

مسائل روحی و تربیتی و بینش مذهبی، نقش مهمی در زندگی مشترک فرد دارد. همسانی و همانندی خانواده‌ها از جهت بافت و ترکیب و اعتقاد، به یکدیگر نقش فراوانی در برقراری روابط صحیح و استوار میان زن و شوهر دارد. و از معیارهای اساسی در شکل‌گیری زندگی زناشویی است. در اصالت و شرافت خانوادگی شهرت، ثروت و موقعیت اجتماعی ملاک نیست، بلکه نجابت، تدین و پاکی خانواده‌ها حائز اهمیت است.^{۲۳} با ازدواج بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، روانی، عقلی و جسمی خانواده‌ها از راه وراثت، محیط، عادت و تربیت به یکدیگر منتقل می‌شود و بر این اساس، از نظر اسلام ازدواج با خانواده شریف و اصیل و دارای محیطی سالم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در تحکیم بنیان خانواده و کاهش طلاق مؤثر است. این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تأیید جایگاه و اصالت خانواده‌های زن

و مرد است. روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر پا خاست و به مردم فرمود: «ای مردم از سبزه مزبله پرهیز کنید. عرض شد: یا رسول الله! مقصود از این سخن چیست؟ فرمود: مراد، زن زیبا و خوب رویی است که در خانواده بد و محیط فاسد پرورش یافته است.»^{۲۵}

۲-۲- کفویت اقتصادی و مالی

تناسب و همانندی اقتصادی یکی دیگر از مسائل مهم و شرط کمال در انتخاب همسر است. از آنجایی که ازدواج دختر و پسر پیوند دو خانواده است، باورهای اقتصادی خانواده‌ها می‌تواند مشکلاتی را برای زوجین ایجاد کند. چنانچه اگر خانواده یکی از طرفین از وضع مالی خیلی بالایی برخوردار باشد، توقعات و انتظارات متفاوتی در امور مالی و اقتصادی داشته و خانواده دیگر از طبقه متوسط یا ضعیف باشد، در هنگام مهمانی دادن، مهمانی رفتن، هدیه دادن، خریدهای عروسی و... مدام با هم اختلاف دارند و سبب تنش بین زوجین می‌شود. البته مراجعه به منابع دینی این حقیقت را آشکار می‌سازد که اسلام به جنبه‌های اقتصادی انتخاب همسر، نگاه ویژه‌ای دارد. از نگاه دین، توان اقتصادی مرد و

زنی که در آستانه ازدواج قرار دارند، مهم است اما نباید ملاک گزینش و یارد آنها باشد. بلکه مهم، ایمان و توکل بر خدا و داشتن انگیزه کار و تلاش برای کسب روزی حلال است تا فرد سربار خانواده خود نباشد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْسَبُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ؛ خداوند از آن کس خشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد.»^{۲۶} بنابراین هر چند ممکن است همسانی زن و مرد در امور اقتصادی به سازگاری بیش‌تر آنان کمک کند، و در تداوم زندگی مشترک و کاهش طلاق موثر باشد اما نمی‌توان به عنوان ملاک لازم برای همسر مناسب در نظر گرفت.

۲-۴- کفویت سنی

در انتخاب همسر توجه به همسانی و کفویت در سن نیز لازم است و از معیارهای شرط کمال محسوب می‌شود. تفاوت سنی را می‌توان عامل مخفی و پنهانی معرفی کرد که ناهمسانی‌های روحی و فکری و ناهمگونی جسمانی را به وجود می‌آورد به نوعی در علایق و تمایلات، خواسته‌ها، حساسیت‌ها و نیازهای همسران نیز تأثیر می‌گذارد. فرض بر این است که شکاف سنی سبب تفاوت شدید توقعات و انتظارات زوجین می‌شود که در بیشتر موارد پایه‌گذار

اختلافات خانوادگی و یا طلاق می‌شود.^{۳۷}

۵-۲- کفویت تحصیلی

همانند بودن علمی از معیارهای شرط کمال است یعنی این گونه نباشد که یک فرد تحصیل کرده با فردی بی سواد و یا خیلی کم سواد ازدواج کند هر چه از نظر تحصیلات سطح آنها به هم نزدیکتر باشد بهتر است. این ویژگی در رشد و تکامل زندگی و انجام وظایف همسری و تربیت فرزند تأثیر دارد.

اما باید توجه داشت این خصوصیت شرط کمال است نه رکن و اساس. آنچه در این موضوع مهم است همتایی علمی بین دو همسر می‌باشد.

۳- برخورداری از حسن خلق

در اسلام ویژگی‌های اخلاقی، مانند برخورداری از اخلاق نیکو، از معیارهای اساسی برای انتخاب همسر مناسب محسوب می‌شود. منظور از اخلاق نیکو، رفتار و تعامل مناسب در زندگی، و سازگاری و مدارا با افراد است. حسن خلق به دارا بودن اخلاق‌های خوب مثل عفت کلام، شکر و سپاس‌گزاری، خوش‌زبانی، صداقت، نگاه پاک، امانتداری، فروتنی، بخشندگی و در کنار آن دوری از اخلاق‌های بد نظیر تندخویی، بی‌وفایی، کینه و حسادت و... را شامل می‌شود. اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم

و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق خوب فراهم می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «بهترین زنان شما زنی است که وقتی همسرش به او می‌نگرد، شاد و مسرورش گرداند.»^{۳۸}

۴- زیبایی و جذابیت ظاهری

از نگاه عده‌ای، وجود برخی ویژگی‌ها نظیر زیبایی و جذابیت در زوجین به ویژه در زن، عامل مهمی در ازدواج تلقی می‌شود، اگرچه حصول میل و علاقه‌ی متقابل و برطرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس علاقه و دوستی زن و مرد نسبت به یکدیگر است که اگر در ازدواج این میل و علاقه وجود نداشته باشد، زمینه نارضایتی خانوادگی از ابتدا فراهم می‌شود و به مرور زمان می‌تواند از دلایل جدایی و طلاق بین زوجین محسوب شود. اما وجود زیبایی و جذابیت به تنهایی نمی‌تواند برای تشکیل زندگی کافی باشد بلکه جزء معیارهای شرط کمال است؛ زیرا زندگی مشترک، وظایف و دشواری‌هایی دارد که با تأکید بر زیبایی نمی‌توان از عهده آنها بر آمد. لذا زیبایی برای پیوند زن و مرد نقطه‌ی شروع مناسبی است، ولی شرط و معیار کافی محسوب نمی‌شود.

از نظر اسلام زیبایی آن گاه دارای ارزش و امتیاز است که همراه با دیانت و سایر کمالات و فضایل معنوی دیگر باشد.

عوامل مؤثر در نگرش به ازدواج

وجود مشکلات روحی و روانی از عواملی است که در نوع نگرش به ازدواج نقش دارد و بسیار اتفاق می‌افتد که فرد نمی‌تواند به راحتی تصمیم به ازدواج بگیرد. اکثر افرادی که حتی شرایط ازدواج برایشان فراهم است بر اثر اضطراب و ترس که ناخودآگاه در وجود آن‌ها نهفته است ازدواج نمی‌کنند و بیشتر به نکات منفی و مسأله شکست در ازدواج فکر می‌کنند.^{۳۹} این عوامل موجب می‌شود که یک نوع ترس و فوبیای ازدواج در بعضی افراد که شخصیت ویژه‌ای دارند به وجود آید که بیشتر در اثر عدم آگاهی و شناخت به ازدواج است، که با درمان و آموزش‌های روانشناختی می‌توان نگرش فرد را به زندگی مشترک مثبت نمود.

مسائل اجتماعی و تحولات فرهنگی حاکم بر فرد و جامعه از عوامل نگرش منفی به ازدواج و افزایش سن ازدواج است. با ورود جوامع به دوران مدرنیته و به موازات

تغییرات اجتماعی بسیاری از ارزش‌ها دستخوش دگرگونی شده؛^{۴۰} به عنوان نمونه رواج شیوه‌های نوین ازدواج همچون همخانگی و افزایش ازدواج سفید و اینترنتی از تغییر ارزش‌ها و متعاقب آن تغییر نگرش افراد به ازدواج نشأت می‌گیرد. گرچه فرهنگ غنی اسلامی سفارش‌های اکید به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن دارد ولی بنا بر دلایلی این فرهنگ و ارزش‌های معنوی کمرنگ گردیده و ارزش‌های مادی جایگزین آن شده است.^{۴۱} هر چه میزان دین‌داری و پایبندی عملی به مفاهیم دینی در افراد بیشتر شود، نگرش به ازدواج نیز مثبت خواهد شد. در این بین نقش رسانه‌ها و فضای مجازی به عنوان ابزار فرهنگی را نباید نادیده گرفت. چرا که رسانه‌ها و فنورهای نوین و نفوذ آن در زندگی فردی و اجتماعی می‌تواند منجر به ظهور تغییرات ارزشی مثبت و منفی در بستر زندگی اجتماعی شود.

مسائل اقتصادی، تأمین معاش و هزینه‌های زندگی از عوامل مؤثر در نگرش افراد به ازدواج است و نگرش مثبت به ازدواج را کاهش می‌دهد. هزینه زندگی معمولاً خود را در جهیزیه و هزینه‌های تشکیل زندگی نشان می‌دهد و از سوی دیگر عدم درآمد کافی، افزایش نرخ بیکاری، آداب و رسوم اشتباه و

قناعت نداشتن و... از موانعی است که در کنار مشکلات مالی قرار دارد. آسان‌گیری در تشکیل زندگی با توکل به خداوند و کاهش هزینه‌های آن به دور از چشم و همچشمی و تدوین برنامه‌های حمایتی دولت و... می‌تواند نگرش افراد را به ازدواج مثبت نماید.

رفتار و شیوه‌های تربیتی والدین از عوامل تأثیرگذار دیگر در نگرش به ازدواج، است. به دلیل تجربیات و مشاهده الگوهای ناقص یا ناکارآمد خانواده،^{۴۲} فرد در انتخاب همسر و تشکیل زندگی دچار تردید شده و نسبت به آینده و زندگی مشترک بدبین می‌شود؛ زیرا چگونگی تفسیر فرزندان از تعارضات بین والدین نقش کلیدی در شکل‌گیری مثبت و منفی به ازدواج و طلاق دارد. اما افرادی که در خانواده‌های با اقتدار منطقی رشد کرده‌اند، نگرش متفاوتی به ازدواج دارند. این خانواده‌ها به عقاید و نظرات فرزند اهمیت داده و به تصمیم‌گیری مستقل آن‌ها در ازدواج احترام می‌گذارند، در نتیجه این حمایت‌ها، فرد با اعتماد به نفس بالا، نگرشی مثبت به ازدواج و تشکیل زندگی می‌یابد.

از سوی دیگر، گسترش و همگانی شدن تحصیلات نیز بر افزایش سن ازدواج مؤثر است. تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این نظر اهمیت دارد که

موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند و با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان می‌توانند فرصت‌های شغلی بهتری کسب نمایند و از این طریق وابستگی درآمدی و اقتصادی کمتری به شوهران خود داشته باشند.

افزایش تحصیلات در صورتی که توأم با افزایش تهذیب و معنویت باشد موجب رشد جنبه‌های انسانی شده و از سوی دیگر رشد شخصیت و منش در اثر تحصیلات بالا حس درونی او را نسبت به مجرد منفی نموده و نگرش مثبتی به ازدواج دارد.^{۴۳}

احتیاط و وسواس بیش از حد فرد یا خانواده‌ها از دیگر عوامل تغییر نگرش به ازدواج است. سخت‌گیری‌هایی که ناشی از یک دسته تفکرات ایده‌آل و آرمانی و دور از واقعیت است، که نسبت به همسر و آینده دارد، چنین فردی نمی‌تواند در مورد ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرد. با تقویت روحیه تصمیم‌گیری، پرهیز از تفکرات آرمان‌گرایانه و آشنایی با معیارها و ملاک‌های واقعی انتخاب همسر،

می‌توان جلوی این‌گونه سخت‌گیری‌های بی‌مورد و افراطی را گرفت و نگرش مثبتی به ازدواج داشت. بالا رفتن میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند اعتیاد، بی‌بند و باری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن، از دیگر عواملی است که می‌تواند نگرش فرد را نسبت به ازدواج منفی کند و موجب سلب اعتماد افراد به ازدواج گردد.

نتیجه

با توجه به نقش اساسی نگرش صحیح به ازدواج و معیارهای درست انتخاب همسر در کاهش آمار طلاق به نظر می‌رسد، تقویت و تثبیت بینش‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی، آموزش مهارت‌های زندگی، نگرش منطقی و شیوه‌های تربیتی صحیح خانواده‌ها، امکان تغییر نگرش افراد به ازدواج و جایگزین کردن دیدگاه‌های مطلوب‌تر و منطقی‌تر وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- یوسف کریمی، نگرش و تغییر نگرش، تهران: مؤسسه نشر و پراکنش، ۱۳۹۰.
- ۲- باقر ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰، ص ۲۳.
- ۳- علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، واژه طلاق.
- ۴- رضا خجسته مهر و دیگران، نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی، نشریه روان پرستاری، خرداد و تیر ۱۳۹۵، دوره ۴، شماره ۲.
- ۵- سوره نساء، آیه ۲۱.
- ۶- قال رسول الله ﷺ: «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحَبِّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عز و جل محبوبتر و ارجمندتر از ازدواج باشد.» محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۳.
- ۷- قال رسول الله ﷺ: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛ هرکس ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است.»
- ۸- محمدبن حسن طوسی، امالی طوسی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۱.
- ۹- قال الإمام الصادق عليه السلام: «إِنَّ رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ، أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ أَعْرَبَ؛ دو رکعت نمازی که مرد زن دار بخواند، بهتر است از مردی همسری که شب را به عبادت سپری کند و روز را به روزه داری.» محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۲۸.
- ۱۰- سوره روم، آیه ۲۱.
- ۱۱- رضا خجسته مهر و دیگران، نگرش دانشجویان

متاهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی، نشریه روان پرستاری، خرداد و تیر ۱۳۹۵، دوره ۴، شماره ۲.

۱۲- محسن نیازی و دیگران، بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴.

۱۳- ایوب سقزی و دیگران، مقایسه نگرش به ازدواج بر اساس شدت سرگردانی ذهنی در دانشجویان مجرد، رویش روان شناسی، سال ۹، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۵۵، دی ۱۳۹۹.

۱۴- کژال آشته، پیش بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگیهای شخصیتی، سبکهای دل بستگی و جوخانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه، رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۷.

۱۵- محسن نیازی و دیگران، بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)

۱۶- مهرانگیز شعاع کاظمی، مرضیه جعفری هرنندی بررسی مقایسه ای نگرش دانشجویان مجرد و متاهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت درمانی گلاسر، فصلنامه ی پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸.

۱۷- شکوه نوایی نژاد، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۵.

۱۸- جوتل شارون، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناختی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی،

۱۳۷۹، ص ۱۳۹.

۱۹- سوره نور، آیه ۳۲.

۲۰- سوره روم، آیه ۲۱.

۲۱- سوره نساء، آیه ۳.

۲۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم: نشر امیرالمؤمنین، ۱۳۶۲، ج ۱۴، ص ۴۶۵.

۲۳- محمد رضا احمدی، ازدواج چرا، مجله پرسمان، مهر ۱۳۸۱، شماره ۱؛ سعید آزرمی سه ساهی، میثاق مقدس، تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹، ص ۷.

۲۴- رانغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «بلغ»: ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل «بلغ».

۲۵- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: ۱۳۶۲ ش؛ ذیل «بلغ»: فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت: (بی تا)، ذیل «بلغ».

۲۶- سوره قصص، آیه ۱۴.

۲۷- خبرگزاری یمن، نخستین خبرگزاری شهروندی ایران، کد خبر www.lmna.ir/news/۱۶۵۰۳۴.

۲۸- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۵۳.

۲۹- علی احمد پناهی، ازدواج در اسلام؛ با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان شناختی، معرفت ۱۳۸۵، شماره ۱۰۴.

۳۰- مشرق نیوز، بلوغ عاطفی چیست و چه نشانه‌هایی دارد؟ کد خبر ۱۲۱۴۴۸۵، تاریخ انتشار ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۳۱- رانغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، صفوان عدنان داودی،

دمشق بیروت: دارالعلم الدار- الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۷۱۸.

۳۲- ناصر مکارم شیرازی، احکام بانوان، محقق، مصحح، علیان نژادی، ابوالقاسم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ یازدهم، ۱۴۲۸ق، ص ۱۴۲.

۳۳- همان

۳۴- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱.

۳۵- محمد تقی فتالی، سبک زندگی رضوی (۳)- ازدواج و خانواده، مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۳۶- محمد یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۱۷.

۳۷- بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۳۶.

۳۸- حسین حسینی تبار کریمی، نیره امید، بازگویی تفاوت سنی همسران، مجله پیام زن، دی ۱۳۸۶، شماره ۱۹۰.

۳۹- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه ج ۳، ص ۳۸۶.

۴۰- حسین خلیفی، ازدواج و جوانان، رسالت، ۸ مرداد ۱۳۶۶، ص ۱۰.

۴۱- حسین هنرور، ابراهیم محمد پور، مطالع نگرش جوانان به ازدواج و ارتباط آن با ترجیحات ارزشی، دین داری و شیوه های فرزند پروری (مطالعه جوانان استان آذربایجان غربی) مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹.

۴۲- مرجان صباغچی و دیگران، عوامل تعیین

کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۴۳- رضا خجسته و دیگران، نگرش دانشجویان متأهل نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی.

۴۴- سید محمد میرسندسی، مصطفی محمدی قلعه سفیدی، بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۳۹۰، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۹۰.

منابع و مأخذ:

• قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱. احمدی، محمد رضا، ازدواج چرا، مجله پرسمان، مهر ۱۳۸۱، شماره ۱.

۲. آزرمی سه سامی، سعید، میثاق مقدس، تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶.

۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه.

۵. رابع اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۶. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.

۷. شارون، جونل، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناختی، ترجمه منوچهر صبوری تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.

۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: چاپ احمد حسینی، ۱۳۶۲ ش.

۹. طوسی، محمدبن حسن، امالی طوسی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.

۱۰. علی احمد پناهی، ازدواج در اسلام؛ با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان شناختی، معرفت ۱۳۸۵، شماره ۱۰۴.

۱۱. فغالی، محمد تقی، سبک زندگی رضوی ازدواج و خانواده، مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۱۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت: (بی تا).

۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.

۱۴. کریمی، یوسف، نگرش و تغییر نگرش، تهران: مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۹۰.

۱۵. مشرق نیوز، بلوغ عاطفی چیست و چه نشانه‌هایی دارد؟ کد خبر ۱۲۱۴۴۸۵، تاریخ انتشار ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: نشر امیر المؤمنین، ۱۳۶۲.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، احکام بانوان، محقق، مصحح، علیان نژادی، ابوالقاسم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ یازدهم، ۱۴۲۸ق.

۱۸. نوابی نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۵.

۱۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸. مقالات

۲۰. آشته، کژال، پیش بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو

خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه، رویش روان شناسی، سال هفتم، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۷.

۲۱. حسینی تبار کریمی، حسین و نیره امیدی، بازگویی تفاوت سنی همسران، مجله پیام زن، دی ۱۳۸۶، شماره ۱۹۰.

۲۲. خبرگزاری یمن، نخستین خبرگزاری شهروندی ایران، کد خبر www.imna.ir/news/۱۶۵۰۳۴

۲۳. خجسته مهر، رضا و دیگران، نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعه کیفی، نشریه روان پرستاری، خرداد و تیر ۱۳۹۵، دوره ۴، شماره ۲

۲۴. خلیقی، حسین، ازدواج و جوانان، رسالت، ۸ مرداد ۶۶، ۱۳۶۶.

۲۵. سقزی، ایوب و دیگران، مقایسه نگرش به ازدواج بر اساس شدت سرگردانی ذهنی در دانشجویان مجرد، رویش روان شناسی، سال ۹، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۵۵، دی ۱۳۹۹.

۲۶. شعاع کاظمی، مهر انگیز و مرضیه جعفری هرنندی، بررسی مقایسه‌ای نگرش دانشجویان مجرد و متأهل نسبت به ازدواج از دیدگاه واقعیت درمانی گلاسر، فصلنامه ی پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸.

۲۷. صباغچی مرجان و دیگران، عوامل تعیین کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

۲۸. میرستندی، سید محمد و مصطفی محمدی قلعه سفیدی، بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آن‌ها و راهکارهای پیشگیری از آن با

تأکید بر رویکرد اسلامی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۳۹۰، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۹۰.

۲۹. نیازی، محسن و دیگران، بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان)، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴.

۳۰. هنرور حسین و ابراهیم محمد پور، مطالعه نگرش جوانان به ازدواج و ارتباط آن با ترجیحات ارزشی، دین داری و شیوه های فرزند پروری (مطالعه جوانان استان آذربایجان غربی)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹.

۳۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه

هویت فرزندان طلاق (تأثیرات طلاق بر فرزندان)

منیره زردادخانی - سطح دو حوزه

چکیده

طلاق برای خانواده‌هایی که آن را تجربه کرده‌اند؛ یکی از چالش برانگیزترین مراحل زندگیست. این مسئله بر فرزندان تأثیر بیشتری می‌گذارد؛ چرا که فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده و ناخواسته دچار آسیب‌هایی می‌شوند که گاه تا پایان عمر زندگی آنها را دستخوش تغییرات ناخوشایندی قرار می‌دهد. هدف تحقیق حاضر بررسی هویت فرزندان طلاق است و به روش کتابخانه جمع آوری شده است. در این پژوهش به آثار و پیامدهای طلاق بر هویت فرزندان در دو بعد فردی و اجتماعی پرداخته شده و نتیجه برخی تحقیقات که در این زمینه صورت گرفته بیان شده است.

واژگان کلیدی: هویت، بحران، بحران هویت، طلاق.

مقدمه

خانواده به عنوان نهادی زیستی و اجتماعی جایگاه شکل‌گیری نخستین روابط، زمینه‌ساز رشد عاطفی، اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، انطباق با جامعه، مراقبت و تربیت فرزندان است.^۱ خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات یا ناپایداری‌اش بر اعضای خانواده و جامعه اثر می‌گذارد. جامعه کوچکی که در شکل‌گیری هویت فرزندان تأثیر زیادی دارد، چرا که کودک هویتش را از والدینش به دست می‌آورد و در صورتی که خانواده «پایگاه امنی» باشد، رشد هویتی فرزندان تقویت می‌شود. حال چنانچه این هویت خدشه دار شود، در آینده و در جامعه دچار مشکل خواهد شد. فروپاشی این واحد کوچک گاه چنان اثر عمیقی برای فرزندان دارد که باور کردنی نیست. طلاق یکی از عوامل فروپاشی این واحد کوچک است. باید گفت، طلاق معضل

اجتماعی است که پیامدهای فردی و اجتماعی مهمی نیز در بردارد و فرزندان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیری هستند که تحت تأثیر طلاق قرار می‌گیرند.

بررسی روان‌پزشکان نشان می‌دهد که طلاق و جدایی والدین از عمده‌ترین علل بیماری‌های روانی کودکان است. امر طلاق اگر برای والدین يك ضایعه است برای کودکان در حکم يك فاجعه است، چرا که این موضوع بیشتر متوجه کودکان خانواده است که دل به عنایت و مهر گرم والدین داشته و خانه را مرکز امید و پناهگاه خویش می‌شناسند.^۲

مفهوم‌شناسی هویت

هویت در فرهنگ معین به معنای «آنچه باعث تشخیص فرد می‌شود» بیان شده است. از این مفهوم پیداست

که هویت حقیقت و چیستی را می‌رساند.

هویت جنبه‌ها، جلوه‌ها و ابعاد متفاوت و متنوعی دارد؛ بعد فلسفی، بعد روانی، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی از جمله ابعاد هویت محسوب می‌شود.^۳

هویت نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به عنوان فردی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران، از آنها جداست. بنابراین، هویت نوعی خودشناسی فرد و یا یک ملت در ارتباط با دیگران است. این فرایند مشخص می‌کند که شخص، فرد و یا یک ملت از لحاظ فردی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد.^۴

به عبارت دیگر همان خودشناسی است که در کلام الهی، از خود بیگانگی، حاصل از «خدا بیگانگی» تلقی شده است. آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ در زمره آنانی نباشید که خدای را از یاد بردند، پس خود را نیز از یاد بردند.^۵ (سوره حشر ۱۹)

بحران

در فرهنگ عمید بحران «آشفته‌گی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض تبار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود.» تعریف شده است.^۶

به طور کلی واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی که از قبل پیش‌بینی نشده است اشاره دارد و می‌توان این جمع‌بندی را برای معنای این واژه به دست آورد: «سرگشتگی، بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر، سختی و پریشان‌حالی، شدیدترین مرحله سخت و...»^۶

در اصطلاح باید گفت بحران با مفاهیم بسیاری مرتبط است: «درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش، اسقاط نظم و نظام حاکم»^۷ و این گستردگی خود گواه دشواری تعریف بحران است. از منظر زبان شناختی می‌توان گفت، دال مفهوم بحران به مدلول وجود ندارد و رابطه قراردادی است و مفهوم بحران، مصادیق خود را در بستر گفتمان‌های گوناگون می‌جوید.^۸

بحران هویت

هویت طی زمان تغییر می‌یابد و هرگز ثابت و راکد نمی‌باشد. در حالت نرمال این تحولات آرام و قابل کنترل هستند؛ بنابراین مشکل ساز نمی‌باشند؛ ولی اگر در یک جامعه بر اثر شوک و ضربه ای مصنوعی و غیر طبیعی سیر تدریجی تحولات و تغییرات هویتی به

هم بخورد یا سرعت تحولات بالا و غیر قابل کنترل باشد، می‌تواند بحران هویتی در جامعه ایجاد نماید. چرا که فرد قدرت انطباق با شرایط به شدت متغیر و ترمیم گسست‌های فرهنگی و هویتی ایجاد شده در جامعه، خانواده و حتی درون خود را هم نخواهد داشت. می‌توان گفت، تبعات این بحران شدید و خطرناک است؛ تبعاتی از جمله گسست نسل‌ها، رشد ناهنجاری‌های اجتماعی و عمومیت یافتن این ناهنجاری‌ها، تخریب ارزش‌ها و اصول اخلاقی، عدم پایبندی به نهادهای اجتماعی و قوانین عرفی و مدنی، از بین رفتن معنی در زندگی و گسترش پوچی و سرگشتگی، رشد فساد و بی‌بند و باری و... معضلاتی هستند که تا حدود زیادی معلول بحران هویت در جوامع می‌باشند.^۹

انسانی که خود و محیط پیرامونی‌اش را به شکل صحیح درک نمی‌کند و احساس تعلق به فرهنگ و تمدن خود ندارد، از یک طرف دچار پوچی و سردرگمی است و از طرف دیگر به دلیل همین عدم تعلق، هیچ تعهدی نسبت به قوانین و ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و جامعه ندارد، موجودی است پا در هوا و از خود بیگانه که از یک طرف

دچار تعارضات شدید شخصیتی و عدم شناخت و معرفت درونی نسبت به خود است و از طرف دیگر به علت عدم احساس تعلق به جامعه و حس بیگانگی نسبت به آن، اصول و قوانین و ارزش‌های جامعه برایش بی‌معنی‌اند. بدیهی است که این چنین فردی بسیار مستعد بزهکاری و انحراف می‌باشد.^{۱۱}

پس می‌توان بحران هویت را اینگونه تعریف کرد: «عدم موفقیت یک فرد (نوجوان) در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از اینکه به علت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی باشد بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت یا گمگشتگی نام دارد».^{۱۲}

طلاق

طلاق، از نظر لغوی به معنای رها شدن است^{۱۳} و در کتاب‌های فقهی و حقوقی به «زدودن قید نکاح با صیغه خاص» تعریف شده است.^{۱۴}

آسیب‌های هویتی فرزندان طلاق خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی که کودک و نوجوان با آن سر و کار دارد نقش اصلی و سازنده را در تکوین شخصیت آینده کودک و نوجوان به عهده دارد. خانواده کانون شکل‌گیری مفاهیمی چون هویت،

خودپنداره، امنیت عاطفی و نگرش‌ها و باورهای فرزندان نسبت به مسائل مختلف است.^{۱۵} به عبارتی کودک هویت خود را از والدینش به دست می‌آورد اما وقتی این هویت خدشه‌دار شود در آینده و در جامعه دچار مشکلاتی می‌شود.

جدایی والدین یکی از مواردی است که باعث به وجود آمدن بحران هویت در کودک می‌شود. این جدایی تأثیر منفی خود را به روان فرزندان می‌گذارد و مانند بمب ساعتی است که فرزند تا مدت‌ها صدایش را می‌شنود و انفجار مهیب آن به تدریج بر روح و جسم اثر می‌گذارد، و با این آسیب‌های روحی و روانی آینده آنها به خطر می‌افتد.^{۱۶}

نوجوانانی که بین تعارضات والدین گیر کرده‌اند فرصت فکر کردن و کاوش در مورد عقاید و نگرش‌های متفاوت و سپس تعهد به آنها را نمی‌یابند که نتیجه آن کسب پایگاه هویت سر درگم است. از طرفی در دسترس بودن، پاسخگو بودن و پیش‌بینی پذیر بودن که شرایط لازم ایجاد دل‌بستگی ایمن است معمولاً در خانواده‌های طلاق فراهم نیست چرا که حداقل یکی از والدین حضور فیزیکی ندارد.^{۱۷}

تأثیرات طلاق بر فرزندان و برخورد آنها با این مسئله با توجه به جنسیت، سن و خلق و خوی کودک و ویژگی‌های

اجتماعی، اقتصادی و رفاهی خانواده می‌تواند متفاوت باشد، اما به هر حال باعث آسیب به هویت آنها خواهد شد. پراکنده شدن اعضای خانواده و محرومیت فرزندان از سرپرستی مشترک والدین پس از فروپاشی و از هم گسیختگی خانواده، آنان را از داشتن مواهب و مزایای زندگی خانوادگی محروم می‌کند و هویت فردی و خانوادگی فرزندان طلاق را مختل می‌سازد.^{۱۸}

آثار و عوارض طلاق برای فرزندان طلاق به این دلیل اهمیت دارد که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات روحی و روانی در آنها باشد و زندگی فردی و اجتماعی آنها را به خطر اندازد. بروز افسردگی، پرخاشگری، بدبینی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانواده نسبت به دیگران، کجروی‌های اجتماعی مانند دزدی و... انواع انحراف‌های اجتماعی و غیره از آثار و عوارض طلاق برای فرزندان است.^{۱۹}

بحران هویت که با شاخص‌هایی چون احساس بی‌معیاری، بی‌قدرتی، جامعه‌گریزی و... همراه است، از معضلاتی است که عدم توجه سازمان‌ها و نهاد خانواده‌ها به آن موجب تشکیل و تشدید این پدیده خواهد شد.^{۲۰} و طلاق به عنوان یکی از عواملی که بسیاری از معیارهای بحران هویت را به دنبال دارد می‌تواند روی پدیده بحران هویت تأثیرگذار باشد.

آسیب‌های حاصل از طلاق که سبب بحران هویتی فرزندان طلاق می‌شود، آسیب‌هایی است که در دو بعد فردی و اجتماعی نمود پیدا کرده و زندگی و آینده فرزندان طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این نوشتار سعی شده به برخی از این آسیب‌ها اشاره شود:

آسیب‌های فردی

۱- افسردگی:

در تبیین اثر طلاق بر افزایش افسردگی کودکان به اختصار می‌توان بیان نمود که طلاق باعث می‌شود فرزندان در شرایط نامساعد از نظر روانی و جسمانی پرورش یابند. به طور طبیعی نظاره‌گر بودن مشاجرات والدین و نیز کاهش معنادار تفریحات لذت‌بخش خانوادگی موجب افسردگی

می‌شود. طلاق موجب مشکلاتی از جمله لذت کمتر از زندگی روزمره، بی‌اشتهایی، بدخوابی و خسته به نظر رسیدن می‌شود که از نشانگان اصلی افسردگی است. پس از جدایی، بلافاصله میزان اختلالات عاطفی و رفتاری در کودکان بالا می‌رود. کودکان تا سن ۴ سالگی، استنباطی از طلاق ندارند و به طور کلی نمی‌فهمند که چه اتفاقی افتاده است، اما چون طلاق در نهایت منجر به فقدان یکی از والدین می‌شود، بر وابستگی کودک تأثیر می‌گذارد و اثر آن در رفتارهای کودکان نمایان می‌باشد. کودکان ۶-۴ ساله مفهوم ساده‌ای از طلاق را می‌دانند و در صورت بروز طلاق، خودشان را مسبب آن می‌دانند و این عامل اصلی برای بروز افسردگی در کودکان است.^{۲۱} همچنین از دست دادن یکی از منابع عاطفی نیز در بروز افسردگی مؤثر است. جدایی والدین از یکدیگر باعث از دست دادن این منابع عاطفی است و فرزند طلاق احساس غمگینی کرده و گوشه‌گیر می‌شود.^{۲۲}

۲- اضطراب

طبیعی است که گسستگی و جدایی در پیوند خانواده در هر حال آسیب و ضربه‌ای برای کودک

محسوب می‌شود، چرا که باعث ایجاد اختلالات عاطفی است و یکی از عوامل ایجاد اضطراب و بیماری‌های روحی اختلالات عاطفی می‌باشد.^{۲۳}

از آنجا که خانواده برای کودکان محل امنی است که در آن باید احساس آرامش و امنیت کند بدیهی است که در صورت جدایی والدین این آرامش در خانواده وجود ندارد و نتیجه احتمالی آن اضطراب و احساس ناامنی است.^{۲۴}

اضطرابی که کودکان طلاق تجربه می‌کنند نسبت به بچه‌هایی که در زندگی عادی و بدون جدایی والدین هستند به مراتب بیشتر است. اضطراب در فرزندان، پس از طلاق و جدایی والدین که به دلیل از دست دادن والدین و نبودن یکی از آنهاست همچون مورینه ای است که ریشه حیاتش را می‌خورد و می‌جوید و سبب می‌شود از زندگی آرام و با عشق و امید که در آن آرام یافته بود، محروم شود. با این اضطراب، زمینه شکست در مراحل بعدی زندگی فرزندان افزایش می‌یابد؛ زیرا اضطراب، حقیقت زندگی و راه صحیح را به انسان نشان نمی‌دهد.^{۲۵} کودکان کم سن نسبت به کودکان بزرگتر بیشتر می‌توانند مستعد اضطراب باشند، چرا که آن‌ها وابستگی بیشتری به هر دو والد دارند.

وابستگی بیشتری به هر دو والد دارند.

۳- ترس

بعد از جدایی کودک به دلیل خلأ عاطفی که با آن مواجه است وضع روحی و روانی مطلوبی ندارد و این گونه احساس می‌کند که دیگر والدین او را دوست ندارند، به عبارتی ترس از تنهایی در کودک شکل می‌گیرد؛ و اگر این احساس تداوم یابد خطرناک است. چرا که کودک را در غم فرو می‌برد و همه چیز را از او می‌گیرد و باعث انزوا و کناره‌گیری او از دیگران و فرو رفتن در تنهایی می‌شود. در نهایت او را از تحصیل و دیگر فعالیت‌های اجتماعی باز می‌دارد.^{۲۶} پس می‌توان گفت از آسیب‌هایی که معضل طلاق بر فرزندان می‌گذارد احساس هراس از آینده و ترس از ترک شدن است.

۴- پرخاشگری

طلاق والدین زمینه‌ساز بروز پرخاشگری در کودکان است و زندگی حال و آینده کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشم و عصبانیت بخشی از زندگی ماست، احساسی که هر کودکی آن را به گونه‌ای تجربه می‌کند و در واقع نوعی برانگیختگی و هیجان شدید هنگام روبرو شدن با محرک‌های نامناسب محیطی است؛ که می‌توان از طلاق به عنوان یکی از مناسب‌ترین محرکات

محیطی یاد کرد که پرخاشگری کودکان را در پی دارد.^{۲۷} نتایج پژوهش‌ها نیز مؤید همین موضوع است که بین میزان پرخاشگری کودکان طلاق و کودکان عادی تفاوت وجود دارد به طوری که کودکان طلاق مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری بیشتری را نسبت به کودکان عادی تجربه می‌کنند.^{۲۸} پژوهشگران در بررسی‌های خود دریافتند که کودکان طلاق، زمانی که شاهد تضاد و اختلاف والدین هستند، اضطراب را بالاتر نشان می‌دهند و محیط خود را پرخاشگرانه درک می‌کنند که به تدریج تغییراتی در شخصیت آنها به وجود می‌آید.^{۲۹}

۵- کاهش عزت نفس

با توجه به پژوهش‌های به دست آمده از مقایسه میزان عزت نفس و سلامت روانی در فرزندان طلاق و عادی، مشخص شده است که فرزندان طلاق از عزت نفس کمتری در مقایسه با فرزندان عادی برخوردارند. از آنجا که عزت نفس قطعی‌ترین عامل در رشد روانی فرد محسوب می‌شود و اثرات برجسته‌ای در جریان فکری احساسات، تمایلات، ارزش‌ها و هدف‌های فرد دارد. هر اندازه که فرد در کسب عزت نفس دچار شکست شود، دستخوش

اضطراب، تزلزل روانی و بدگمانی از خود و احساس عدم کفایت از زندگی بیشتری خواهد داشت.^{۲۰} حضور و نظارت والدین بر فرزند و همچنین نوع ارتباط آنها با وی، از عواملی است که در میزان عزت نفس مؤثر بوده و می‌تواند جلوی بسیاری از روز کاری‌ها را بگیرد و قطعاً در بسیاری از موارد، طلاق این حضور و نظارت والدین را اگر از بین نبرد، کم‌رنگ خواهد کرد.

بر اساس پژوهشی که «بروکنر» و «هولتن» در سال ۱۹۷۸ انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که کسانی که عزت نفس بالایی دارند علاوه بر اینکه نسبت به دیگران کمتر دچار افسردگی می‌شوند، همچنین کمتر دچار اختلالات عصبی و روی آوردن به نابهنجاری‌ها می‌شوند.^{۲۱}

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز روایت شده است که «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ؛ کسی که پیش خود کرامت داشته باشد، خود را با معصیت و بزهکاری بی‌ارزش نمی‌کند»^{۲۲} این حدیث به خوبی اشاره می‌کند که ریشه بسیاری از رفتارهای نابهنجار نداشتن هویت صحیح و پایین بودن کرامت و عزت نفس است، که روان‌شناسان نیز به این مهم پی برده‌اند. همانگونه که اشاره

شد، والدین با ناسازگاری و جدایی از یکدیگر زمینه احساس بی‌ارزشی و پایین بودن عزت نفس را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند.

آسیب‌های اجتماعی

۱- بزهکاری

باید توجه کرد که طلاق و گسستگی خانواده تأثیر مستقیم و قطعی در بروز رفتار بزهکارانه در جوانان دارد. بولبی معتقد است جدایی از والدین به خصوص مادر موجب ناتوانی در برقراری رابطه عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می‌شود. همچنین دکتر هوپر روانشناس معاصر و پزشک بیماری‌های روانی در پژوهش‌های خود نشان داده که بیشتر جوانان بزهکار، منحرف یا مجرم از خانواده‌هایی هستند که طلاق باعث از هم گسیختگی شیرازه زندگی آنان شده است.

بزهکاری در کودکان و نوجوانان هر چند می‌تواند به عوامل بسیاری از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی و... وابسته باشد، اما در گام نخست خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می‌کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می‌سازد. طلاق و جدایی والدین از یکدیگر باعث آشفتگی کانون خانواده شده و آثار روانی بر روی فرزند باقی

می‌گذارد که بعداً به صورت سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می‌کند.

تحقیقات و شواهد زیادی گویای این واقعیت است که در پس بسیاری از بزهکاری نوجوانان و جوانان کانون خانوادگی ناسالم و متلاشی شده‌ای پنهان است.^{۳۳}

در پژوهش دیگری که از بین ۸۰۰ فرد بزهکار به عمل آمده، معلوم شد که ۶۵ درصد مادرانشان طلاق گرفته و یا در حال جدایی بودند. در بررسی دیگر نشان می‌دهد که ۸۸ درصد افراد مجرم دارای پدر و مادری بوده‌اند که از هم جدا زندگی کرده و بین آنها اختلاف نظر وجود داشته است.^{۳۴} از این رو می‌توان گفت جدایی و طلاق والدین زمینه را برای انحراف و بزهکاری فرزندان به وجود می‌آورد.

۲- اعتیاد

اعتیاد یکی از معضلاتی است که همواره جامعه بشری را تهدید کرده است؛ از عواملی که می‌تواند سبب افزایش تعداد معتادین شود از هم پاشیدگی خانواده و در نتیجه به هم خوردن تعادل روانی فرد است. این خطر، هر کودکی را که طعم تلخ طلاق را چشیده باشد، تهدید می‌کند. البته طلاق تنها عامل گرایش به اعتیاد نیست اما

طبق بررسی‌های انجام شده جزء مهمترین عوامل آن به شمار می‌آید.^{۳۵} اگر جدایی والدین در سنین نوجوانی و ابتدای جوانی فرزندان باشد می‌تواند تأثیر بیشتری بر اعتیاد فرزندان بگذارد، چرا که این سنین به خودی خود ویژگی‌هایی دارد که توجه بیشتری را می‌طلبد.^{۳۶} این در حالی است که والدین در حال طلاق و جدایی هستند و از آنجا که معمولاً کنترل کمتری بر روی فرزندان دارند، ایشان خود را آزادتر دیده و ممکن است از روی کنجکاوی و یا ارتباط با دوستان ناباب به دام اعتیاد گرفتار شوند.

۳- ناامنی در تعاملات اجتماعی

فرزندان طلاق در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، تجربه‌هایی دارند که همگی حاکی از احساس ناامنی است. اوضاع زندگی خانوادگی پس از طلاق و برچسب‌ها و قضاوت‌های جامعه، موجب می‌شود تا این فرزندان دائماً با فشارها و تنش‌های گوناگون دست و پنجه نرم کنند. آنها مجبورند به دلیل مسئله‌ای که نقشی در آن نداشته‌اند، سوژه کنجکاوی، دخالت‌ها، قضاوت‌ها و پیش داوری‌های اطرافیان قرار بگیرند و در بیشتر موارد طلاق والدین خود را پنهان کنند و به دنبال عدم افشای

هویت خانوادگی خود باشند.^۲

نتیجه

طلاق با تخریب بنیان خانواده به کودکان خسارت جبران ناپذیری وارد می‌سازد؛ این در حالی است که امروزه با افزایش پدیده طلاق روبرو هستیم. چنانچه جلوی این پدیده گرفته نشود و راهی برای کنترل آن بدست نیاید، جامعه دچار مشکلات جدی خواهد شد.

شاید بتوان گفت علت اینکه طلاق مبعوضترین حلال الهی شمرده شده است، این باشد که مشکلات جبران ناپذیری برای زن و مرد و مهم‌تر از آن برای فرزندان متولد شده در این خانواده‌ها به وجود می‌آورد. مشکلاتی چون افسردگی، پرخاشگری، کاهش عزت نفس و بزهکاری‌هایی چون اعتیاد و... مشکلاتی که فقط گریبان گیر فرد نیست و جامعه را نیز دچار تشویش و زیان خواهد کرد.

بنابراین باید حداقل امکان از طلاق که آفت بنیاد خانواده است جلوگیری به عمل آید، تا بدین صورت عوارض ناشی از آن بر جامعه و به ویژه آثار روحی که بر شخصیت و هویت فرزندان می‌گذارد جلوگیری شود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کیانوش زهراکار و فروغ جعفری، مشاور خانواده و فایم تاریخچه فرآیند نظریه‌ها، تهران، ازسیاران، ۱۳۹۴، ص
- ۲- محمد حسین فرجاده، آسیب شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران منصور، ۱۳۷۸، ص
- ۳- علی الطائی، بحران هویت قومی در ایران، بی‌جا، نشر شادگان، ۱۳۷۸، ص ۳۹.
- ۴- پاول هنری ماسن، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۵۷۸.
- ۵- سوره مبارکه حشر، آیه شریفه ۱۹.
- ۶- حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸.
- ۷- حسن بشیر، رسانه‌ها و معناشناسی بحران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوه‌های ارتباطی، سال پانزدهم ۱۳۸۷، شماره ۵۵، صص ۹-۲۹.
- ۸- علیرضا، اسماعیلی، مدیریت بحران در حوزه ترافیک و حمل و نقل، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ۱۳۸۸، ص ۱۳.
- ۹- محمدرضا، تاجیک، مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران،

اسلامی، ص ۱۲، کارشناس ارشد علوم سیاسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، سمینار هویت ملی اسلامی

۱۱- رسول سواران، بحران هویت در ایران، سایت: شامان ترک انللی، برگرفته از: ریچارد جنکینز، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی

۱۲- سعید شاملو، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت تهران، انتشارات رشد، بیتا، ص ۴۸.

۱۳- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، نشر نی، ۱۳۸۵، چاپ هفتم، ص ۴۰۲.

۱۴- محمد حسن النجفی الجواهر، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، ج ۳۲، ص ۲.

۱۵- زکیه املی و دیگران، مقاله پژوهشی شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۶۸.

۱۶- طاهره حسینی، طلاق و آسیب های آن بر خانواده و اجتماع، نشریه پژوهشهای اسلامی جنسیت و خانواده، سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، (صص ۲)

۱۷- زکیه املی و دیگران، شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان، همان، صفحه ۷۵.

۱۸- هدایت الله ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور ۱۳۸۴، صفحه ندارد

۱۹- محسن فرمهینی فرهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، اسرار دانش، ۱۳۷۹، ص ۳۰.

۲۰- بهمن اکبری، بحران هویت و هویت دینی، بیک نور، سال ششم، شماره چهارم، صفحه ۲۳۰.

۲۱- مقایسه اختلال‌های روانشناختی فرزندان طلاق با

همتایان عادی، شهاب مرادی، اخانی، الهه، نشریه علمی ترویجی رویش روان شناسی بهمن ۱۳۹۸- شماره ۴۴، ص ۱۱۶، به نقل از سید مهدی حسینی بیرجندی، مشاوره ازدواج، تهران آوای نور، ۱۳۸۷.

۲۲- ادوارد تایبر، بچه های طلاق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹، ص ۱۹.

۲۳- محمد حسین حق جو، اضطراب و نگرانی، بیجا، انصارالمهدی، ۱۳۸۱، ص ۲۴.

۲۴- مژگان عباسی آبرزگه و همکاران، مقایسه مشکلات رفتاری (اختلال سلوک، مشکلات توجه، ناپختگی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب و گوشه گیری) در کودکان طلاق و عادی، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال دوم، شماره ۲۰، دی ۱۳۹۸، ص ۱۲۸.

۲۵- امیر ملک محمودی الیگودرزی، اضطراب و افسردگی، تهران: نشر کوثر هدایت، ۱۳۸۶، ص ۳۵.

۲۶- علی قائمی، کودک و خانواده نابسمان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۴، ص ۳۱۵.

۲۷- سعید و فرزانه صانعی، بررسی نقش طلاق بر پرخاشگری و سلامت روان کودکان

۲۸- کزال یعقوبی و دیگران، بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی، نشریه مطالعات روانشناختی، دوره ۷، شماره ۱، صفحه ۱۰۵.

۲۹- مژگان آبرزگه، همان، صفحه ۱۲۸.

۳۰- طیبه شاهسوند بغدادی، مقایسه میزان عزت نفس و سلامت روان در فرزندان طلاق و بهنجار، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما، تهران ۱۳۹۴، صفحه ۴.

۳۰- طیبه شاهسوند بغدادی، مقایسه میزان عزت نفس و سلامت روان در فرزندان طلاق و بهنجار، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما، تهران ۱۳۹۴، صفحه ۴.

۳۱- مرتضی منطقی، روان‌شناسی تربیت، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۵.

۳۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.

۳۳- شکوه نوایی نژاد، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۵، صفحه ۱۹.

۳۴- هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰، ص ۴۱.

۳۵- نیلا آخوندی، مطالعه وضعیت اعتیاد در فرزندان طلاق (رجاع داده شده به مرکز اصلاح و تربیت تهران (۱۳۸۲_۱۳۷۹) پیک نور، سال پنجم، شماره اول، صفحه ۸۲.

۳۶- رک: علی اکبر شکاری نژاد، روانشناسی رشد، تهران دانشگاه پیام نور ۱۳۸۲.

۳۷- زکیه امنی و دیگران، شناسایی پیامدهای طلاق والدین بر فرزندان؛ مطالعه کیفی، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸، ص ۶۶

امام صادق عليه السلام: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

ما من شيء أبغض إلى الله عزَّ و جلَّ من بيتٍ يخرَّبُ في الإسلامِ بالفرقةِ...
ثمَّ قال أبو عبد الله عليه السلام: إنَّ اللهَ عزَّ و جلَّ إنَّها وكدَّ في الطلاقِ و كَرَّرَ فيه
القولَ من بُغِضَ الفرقةَ.

در اسلام هیچ چیز نزد خداوند عز و جل منفورتر از خانه ای نیست
که با جدایی ویران شود... سپس امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند
عز و جل از آن رو نسبت به طلاق [ندادن] تأکید فرموده و بارها از
آن سخن گفته است، که از جدایی و تفرقه نفرت دارد.

(الكافي: ١/٣٢٨/٥)





اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این طور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحتی در جامعه باشد می‌تواند این طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگترین مصلحتین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند.

خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۴/۶/۱۳۷۲

www.zeynaby.ir

نشانی: مشهد مقدس، آیت الله بهجت ۲۳

نیش چهار راه اول، سمت راست، پلاک ۴۸

سامانه پیام کوتاه:

۳۰۰۰۳۳۰۰۱۳۹۰۹۱

info@zeynaby.ir

بنیاد
حضرت
مادر علی

۱۳۵۴

تاسیس